

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرام

جزوه آموزشی - تشکیلاتی شماره ۵  
مرام و منش جامعه اسلامی دانشجویان در دانشگاه های سراسر کشور

چاپ اول: مردادماه ۱۳۹۳  
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه



جامعه اسلامی دانشجویان

نشانی: تهران - خیابان قدس - تقاطع ایتالیا - پلاک ۲۷؛ کد پستی: ۱۳۱۵۳-۱۴۱۷۷ - تلفن: ۸-۹۴۷۰۹۵۰۸۸



## فهرست

	مقدمه:	۴
۷	خشت اول: اصول و اساس:	۷
	تعریف:	۸
۸	حزب الله و حزب شیطان:	۸
	رهنمودها:	۱۱
	ضرورت:	۱۳
	ماهیت:	۱۷
	رسالت ها:	۱۹
	شروع حرکت:	۲۱
	ویژگیهای مدیر:	۲۲
۲۸	خشت دوم: شناخت جایگاه عمل:	۲۸
	نحوه فعالیت:	۲۹
	الف - عضو:	۲۹
	ب - تشکل:	۳۱
	۱- فعالیت:	۳۱
	۲- جذب:	۳۷

- ۳ - پرورش: ۴۲
- ۴ - نگاه جبهه ای: ۴۵
- فرایند نیروسازی: ۴۷
- شناساندن آرمان ها: ۴۸
- مراجعه افراد به مجموعه (مراجعه به افراد): ۴۹
- ایجاد تعلق تشکیلاتی: ۵۱
- رشد آموزشی در کنار فعالیت: ۵۲
- وظیفه عضو نسبت به دیگر اعضا: ۵۳
- احساس وظیفه نسبت به عضو جدید: ۵۵
- تحلیل و آسیب شناسی جایگاه های تشکیلاتی: ۵۶
- فرایند برنامه سازی: ۵۸
- خشت سوم: طاق زنی بر ستون های مستحکم: ۶۸
- طرح بستر سازی یا سازماندهی تشکیلاتی و آموزشی: ۶۹
- بخش تشکیلات: ۷۲
- بخش آموزش: ۸۲
- مدل دانشکده ی افسری جنگ نرم: ۸۵
- خشت چهارم: چرا جامعه؟ ۹۳



- لزوم فعالیت اجتماعی ۹۴
- آزادی عمل و حفظ اصالت لازمه حرکت‌های دانشجویی ۹۹
- چرا جامعه؟ ۱۰۲
- ۱۰۴ کادر سازی و تأثیرگذاری اجتماعی دو نوع اصلی فعالیت  
سیراندیشه ای جامعه اسلامی دانشجویان ۱۰۸

## مقدمه:

دغدغه کار تشکیلاتی منسجم و تربیت نیروهای با توان مدیریت و ساماندهی بالا هیچ گاه از ذهن دست اندرکاران تشکلهای انقلابی خارج نمی‌شود. از طرفی حجم گسترده تشکلهای مردمی انقلاب و بازده نامتناسب آنها در جهت اولویتهای نظام و آرمانهای انقلاب اسلامی، لزوم توجه جدی تر به دو عنصر «آموزش» و «تشکیلات» را در این طیف نمایان می‌سازد. بدیهی است مبانی فکری صحیح بدون وجود سازماندهی مناسب از اثر بخشی لازم برخوردار نمی‌شوند و گسترش سازمان بدون آرمان، غلبه پوشالینی از فرم بر محتواست و مشکلی را حل نمی‌کند، که چه بسا مشکل آفرین گردد. لذا حل این مسئله را در استحکام ساخت درونی دفاتر و اتحادیه یعنی تقویت اسکلت اصلی تشکل دیدم.

در مجموع به نظر می‌رسد مجموعه‌هایی که به تحلیل و رشد فکری مناسب رسیده‌اند نیز به خاطر ضعف عنصر تشکیلات توان بازدهی متناسب با عملکرد و قدرت خود را نداشته‌اند؛ فلذا باید چاره‌ای اندیشید.

جزوه حاضر که تلفیقی از تجربیات و جزوات پراکنده گذشته است، با این دغدغه و با هدف بررسی مولفه‌های «تشکیلات اسلامی» و پاسخ به نیاز دفاتر مبنی بر داشتن



الگویی عینی برای کار تشکیلاتی-آموزشی در دفاتر، با بهره مندی از سخنان شهید بهشتی پیرامون کار تشکیلاتی تهیه شده که البته بخش دوم آن را مسائل عینی تر کار تشکیلاتی در برگرفته که شاید خالی از سلیق شخصی نیز نباشد.

امید آنکه انتشار این جزوه بتواند مقدمه ای بر تأمل و توجه بیشتر به مسأله تشکیلات شود و بسترساز گامهای جدی تری در جهت دستیابی به مدلی صحیح از « تشکیلات اسلامی » گردد. ناگفته نماند که هر چند بخش دوم جزوه، ناظر به تشکل جامعه اسلامی دانشجویان تهیه شده است لیکن اعم مباحث آن برای سایر تشکلهای خالی از فایده نخواهند بود. در ضمن آیات و روایاتی - با ترجمه آزاد - برای تکمیل بحث آورده شده اند که ان شاء الله مفید واقع شوند.

و من الله التوفیق

واحد آموزش جامعه اسلامی دانشجویان

تابستان ۱۳۹۳

از قدیم گفته اند:

«خشت اول گر نهد معمار کج!

تا ثریا می رود دیوار کج!»

برای بودن در تشکل باید

تشکیلاتی بود! یعنی الفبا را

دانست و قواعد را قبول کرد.

البته نه کورکورانه، بلکه فعالانه

و منتقدانه، اما متعهدانه!

**خشت اول:**

**اصول و اساس**



## تعریف:

اگر تشکیلات را مسامحتاً به معنای سازمان یا حداقل نوعی از آن به حساب آوریم، می توان تعریف زیر را برای آن به کار برد: «تشکیلات عبارت است از نظام اجتماعی خاصی که بر اساس آن عده ای از افراد - هم عقیده - به منظور رسیدن به یک سلسله هدفهای نسبتاً مشخص با یکدیگر همکاری می کنند بدین ترتیب که تصمیماتی را اتخاذ می نمایند یا به مرحله اجرا و عمل در می آورند» (سازمان و مدیریت، بلال دولتی)

از آنجا که این مفهوم ارتباط وثیق و تنگاتنگی با مساله مدیریت پیدا می کند، شاید بد نباشد که تعریفی کوتاه از مدیریت نیز ارائه کنیم: «مدیریت را می توان جریان برنامه ریزی، سازماندهی، هدایت و نظارت بر کوشش های تشکیلاتی اعضا و به کارگیری کلیه منابع در جهت وصول به اهداف سازمان تعریف کرد» (همان)

تشکیلات عبارت است از نظام اجتماعی خاصی که بر اساس آن عده ای از افراد - هم عقیده - به منظور رسیدن به یک سلسله هدفهای نسبتاً مشخص با یکدیگر همکاری می کنند بدین ترتیب که تصمیماتی را اتخاذ می نمایند یا به مرحله اجرا و عمل در می آورند.

## حزب الله و حزب شیطان

تشکل دوگونه است: یکی ضدخدا و اسلام و یکی خدایی و اسلامی. تشکل ضدخدایی ضداسلامی، آن تشکلی است که عده ای دورهم جمع گردند، و مانع از ورود افراد و اندیشه های خوب به درون مجموعه شوند. اخلاص در نیت و برنامه ریزی را تماماً



درون مجموعه جستجوکردن و بیرون جمع را همه شیطانی و اهریمنی دانستن، این طرز تفکر خود اهریمنی و شیطانی است. تشکل انحصار طلب و انحصار اندیش از جانب هر فرد و هر گروه و هر جمعی که باشد، شیطانی از آب در می آید. طاغوت معنایش همین است و ابلیس همین را می گفت. اگر یک حزب یا یک سازمان هم بگوید فقط «من» راهش به دوزخ و زندگی شیطانی است.

تشکل حق و تشکل الهی آن است که نیروهای مؤمن به خدا، نیروهای مؤمن به ارزشهای عالیله الهی و انسانی، متشکل شوند تا در حد توانشان از این ارزشها دفاع کنند و صاحبان این ارزشها خواه داخل تشکیلات باشند، خواه خارج از تشکیلات، در نظرشان محترم و معتبرند.

در مورد ارزشهایی که مطرح می شود بایستی سختگیر بود. بر سر دیدگاهها بحث و گفتگو و حتی مناظره و مباحثه شود تا معلوم شود که دیدگاه حق کدام است؟ مباحثه با مجادله متفاوت است. مباحثه ارائه افکار خود در برخورد با دیگران و شنیدن افکار آنها و به این وسیله فکر خود را عیار زدن است، و این سازنده و مثبت است.

یکی از مصیبتهای عصر ما این است که اشخاص جانشین ارزشها می شوند. علی (ع) می فرماید: «اعرف الحق تعرف اهله» تو ارزشها را بشناس و اشخاص را با ارزشها

تشکل حق و تشکل الهی آن است که نیروهای مؤمن به خدا، نیروهای مؤمن به ارزشهای عالیله الهی و انسانی، متشکل شوند تا در حد توانشان از این ارزشها دفاع کنند.



بسنج. مباحث باید بر محور ارزشها باشد و حمایتها و درودها باید بر ارزشها باشد. بنابراین درود بر شهدا و انسانهای مخلص، حمایت از ارزشهاست. پس اول بایستی ارزشها و آنگاه اشخاص را شناخت. «اعرفوا منازل الرجال بالحق» منزلت مردان و انسانها را با معیار و محک حق بشناس.

هدف از گردآوری ارزشها در مواضع و اعلام این مواضع در تشکیلات:

۱. همه رابطه شان را با تشکیلات براساس این ارزشها تنظیم کنند.

۲. با این کار رابطه تشکل با سایر گروهها و تشکلهای مشخص می شود. بر این اساس گروه های مسلمان معتقد فعال مخلص در خط امام با تشکل اسلامی رابطه ای برادرانه خواهد داشت.

گروههای دیگر: الف) یک دسته ضد اسلام نیستند، هر چند طبق اسلام هم نیستند. اینها آزادند. با آنها مبارزه فکری بایستی داشت. ب) یک دسته ضداسلامند، اما به روی جمهوری اسلامی شمشیر نمی کشند، آنها هم آزادی هایی دارند اما سخت انتقاد خواهند شد. ج) یک دسته ضد اسلامند ولو به نام اسلام و بر ضد جمهوری اسلامی توطئه می کنند. اینها غیر قانونی هستند.

## رهنمودها:

ایمان به آرمان و عمل: ایمان هرچه قویتر به آرمان و به کار، باید روز به روز تقویت گردد.

برنامه های عملی اسلامی: برنامه های عملی که در آن تفوق ساختار اسلامی به چشم بخورد، معلوم باشد این خواهر مسلمان ما از هم سن و سال و همکلاسی و همرتبه ای غیر مسلمانش در مقام عمل صالح جلو است و این برادر مسلمان در مقایسه با همپراز غیر مسلمان و غیر متعهدش در عمل سودمندتر است.

واما ینفع الناس فی الارض (آیه ۱۷ سوره رعد) اگر شما به حال مردم سودمند واقع شوید ماندنی خواهید بود. این بیان قرآن است. سودمندی بیشتر شما عامل پیروزی شماست. به همین جهت درخودسازی فردی و جمعی انجمن ها باید با برنامه ریزی طوری عمل شود که در بعد خدمت به مردم و برای خدا، نه برای تعریف مردم بدرخشد.

**ارتباطات قوی:** وقتی یک عده در اقلیت هستند، باید به کمک ارتباطات گسترده، یک جمع بزرگتر بشوند. آنجا که جمع بیشتری باشد، احساس دلگرمی بیشتری است. بنابراین وسعت مسئله ارتباطات، نشان دهنده جمع وسیعتر است.



**جذب عناصر جدید:** در نیروهای اسلامی، گاهی دافعه خیلی قویست، اما جاذبه چندان قوی نیست. مسلمان هم دافعه دارد و هم جاذبه. باید جاذبه زیاد باشد. باید کلام، رفتار و... چنان باشد که در جمعی که کار می شود، افراد یکی، یکی جذب شوند. بایستی، برای جذب آنها برنامه داشت. انسان قابل عوض شدن است. اسلام می گوید: تا آخرین لحظه حیات در توبه باز است. تلاش برای جذب افراد، جذب با سخن خوب، با عمل خوب، جاذبه اخلاقی.

**انضباط قوی:** هر کار دسته جمعی، باید با انضباط تشکیلاتی همراه باشد. باید به انضباط و نظم بیشتر بها داد. نظم هم گاهی فرعون و طاغوتی است. هیتلر خیلی کارش منظم بود، ولی نظمش طاغوتی بود، همینطور استالین، نظم باید الهی، سازنده و نورانی باشد.

هر کار دسته جمعی، باید با انضباط تشکیلاتی همراه باشد. باید به انضباط و نظم بیشتر بها داد.

**افزایش معلومات:** مطالعات باید هم اسلامی و هم فنی باشد.. هر کس وظیفه شرعی دارد که در هفته، یک مقدار روی رشته خاص خود مطالعه فنی بکند.

شیوه های صحیح برخورد: گاهی بایستی با جریانهای مخالف برخورد کوبنده شود، اما طرز برخورد به گونه ایست که در جامعه محکوم می شوند و آنها حاکم. شیوه برخورد باید صحیح باشد. باید درباره این شیوه های برخورد تبادل نظر کرد، بطوریکه با

شیوه های غلط برخورد نشود.

**انتقاد از خویشان:** هیچ عیبی ندارد از دیگران خواسته شود اگر عیبی هست گفته شود. المؤمن مرآت المؤمن. آینه یکی از کارهایش این است که عیب های آدم را می گوید. از انجمن (تشکل) انتقاد کنیم، انتقاد سازنده.

**امید کامل به آینده:** هیچ مسلمانی حق یأس و ناامیدی ندارد. مسلمان سراپا امید است. انه لایایس من روح الله الالقوم کافرون. (آیه ۸۷ سوره یوسف) آدمهایی که ایمان به خدا ندارند، آنهایی هستند که از گشایش آفرینی خدا در تنگناها مأیوس می شوند. انسانهای مؤمن همیشه باید امیدوار باشند، هیچوقت نباید چهره عضو تشکل اسلامی، پژمردگی و افسردگی و آثار یأس و ناامیدی داشته باشد.

### ضرورت:

پاسخ این سوال که چه لزومی به کار تشکیلاتی هست را می توان در «دستیابی به نظم و ساماندهی مناسب» خلاصه کرد، اما تاکید مبانی فکری و اعتقادی ما بر این مساله مویدی محکم بر آن خواهد بود. لذا به برخی از آنها اشاره می نمائیم:



## الف - تحقق امر به معروف و نهی از منکر:

ما برای اینکه بتوانیم کارهای بزرگی را انجام دهیم، بی شک باید متشکل باشیم. رابطه های ایمانی و اعتقادی و عملی دینی سازمان نیافته، تنها برای رسیدن به بخشی از اهداف و تحقق بخشیدن به قسمتی از مراحل یک انقلاب می تواند کافی باشد. در آیات و روایات متعدد، وظیفه امر به معروف و نهی از منکر بزرگترین و بالاترین وظیفه شناخته شده که همه واجبات و فرائض دیگر در پرتو آن گذارده می شود. (شهید بهشتی)

با یکی دو نفر نمی شود به جنگ فسادها و منکرات بزرگ و اساسی رفت و با ظالمان گردن کلفت در افتاد، برای این کار باید مومنان را گرد هم جمع کرد.

«لتامرنا بالمعروف و لتنهنا عن المنکر او لیسئلنا الله شرارکم علی خیارکم، فیدعوا خیارکم فلا یتجاب لکم» (الحیاه، جلد اول)

ترک امر به معروف و نهی از منکر منجر به غلبه بدانتان بر خوبانتان می شود و دعاهای خوبانتان را نیز بی اثر می سازد.

«ید الله مع الجماعه» دست یاری خداوند با جماعت مومنان خواهد بود.

با یکی دو نفر نمی شود به جنگ فسادها و منکرات بزرگ و اساسی رفت و با ظالمان گردن کلفت در افتاد، برای این کار باید مومنان را گرد هم جمع کرد.

«ید الله مع الجماعه» دست یاری خداوند با جماعت مومنان خواهد بود.

«ان جماعه فیما تکرهون من الحق خیر من فرقه فیما تحبون من الباطل و ان الله سبحانه لم یعط احدا بفرقه خیرا ممن مضی و لا ممن بقی» (همان) جماعت گریزان از حق بهتر از جمع متفرقی است که از باطل می گریزد و خداوند خیری را برای جمع متفرق قرار نداده است.

### ب - نظم:

اما ضرورت اصل تشکل، اصلی اجتناب ناپذیر است. مگر یکی از موارد الهی که در آن وصیت، مولا فرموده اند، درباره نظم امرکم نیست؟

خدای را خدای را در نظم امرتان. آیا در این که تشکل یک نوع نظم است کسی تردید دارد؟ (شهید بهشتی)

ثمره تشکیلات، تقسیم امور و تعیین دقیق حیطه های کاری افراد و وظایف ایشان است. این نظم و هماهنگی برای جماعت مومنان قوت و اثربخشی را به ارمغان خواهد آورد و طبعاً در زندگی شخصی هر فرد نیز ضامن رسیدن او به اهداف مورد نظرش خواهد بود.

«کونا للظالم خصما و للمظلوم عونا، اوصیکما و جمیع ولدی و اهلی و من بلغه کتابی بتقوی الله

ثمره تشکیلات، تقسیم امور و تعیین دقیق حیطه های کاری افراد و وظایف ایشان است.



و نظم امرکم» (نهج البلاغه، نامه ۴۷)

دشمن ظالم و یاور مظلوم باشید، همه شما و هرکس که وصیت من به او خواهد رسید را به تقوای الهی و نظم در امور سفارش می کنم.

### ج - سازماندهی و شناخت نیروهای متعهد و مسلمان:

بطوریکه اجمالاً ما می دانیم، جامعه ما جامعه ایست پر نیرو، اما وقتی دست به هر کاری می زنیم در همان قدم اول و دوم با کمبود نیرو مواجه می شویم. آب در خانه و ما تشنه لبان می گردیم. وقتی هم شناسایی می کنیم، باز قدرت سازمان دادن و سامان دادن نداریم و تجربه تشکیلاتی مان کم است. گاهی هم نیروهای زیادی هستند و کار زیادی انجام نمی گیرد. بنابراین خیلی روشن به این نتیجه می رسیم که ما دچار ضعف تشکیلاتی هستیم و همواره از این یاد می کردیم که ایجاد یک تشکیلات اجتماعی بر پایه اسلام از واجبات اساسی هر انسان متعهد آگاه مسلمان است.

در تمام این مراحل، تنها چیزی که در درون خودمان احساس می کردیم این بود که می خواهیم نیروهای مومن به انقلاب اسلامی را برای تحقق بخشیدن هر چه سریعتر و گسترده تر به آرمانهای این انقلاب بسیج کنیم و سازمان دهیم و چیزی که در خودمان



نمی یافتیم قدرت طلبی و سلطه جویی بود. (شهید بهشتی)

بدیهی است ما مکلفیم به وظیفه خود که همانا گسترش جریان طرفداران جبهه حق و عدالت است عمل کنیم. اما اگر شرایط به گونه ای رقم خورد که اقبال قابل توجهی نیز پیدا نشد، باید به تکلیف عمل کرد و نهراسید.

«لا تستوحشوا فی طریق الهدی لقله اهل» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۱) در راه حق از کمی

تعداد نهراسید.

### ماهیت:

در ترکیب صناعی افراد، هویت افراد در هویت تشکیلات محو نمی شود و اصولاً تشکیلات وجود مستقل از اجزاء ندارد. بلکه تشکیلات عبارت است از مجموع اجزاء تشکیلات بعلاوه روابط سازمان یافته آنها با یکدیگر. این نظریه در تشکلهای اداری که اجزاء نه بنابر عقیده واحد که تنها برای حصول نتیجه ای مشخص گرد هم آمده اند، ممکن است صحیح باشد اما در تشکیلات اسلامی ترکیب اجزاء حقیقی است نه صناعی؛ و از آن جهت که تشکل مجموعه ای از افراد مشترک العقیده است همان سنتها و قوانینی که بر جوامع حاکم است با قوت و خدمت بیشتری بر آن نیز حاکم است و

بدیهی است ما مکلفیم به وظیفه خود که همانا گسترش جریان طرفداران جبهه حق و عدالت است عمل کنیم. اما اگر شرایط به گونه ای رقم خورد که اقبال قابل توجهی نیز پیدا نشد، باید به تکلیف عمل کرد و نهراسید.



از آنجا که هر جزء در ارتباط تشکیلاتی با سایر اجزاء است در تاثیر و تاثر و جذب و انجذاب دائمی فکری و فرهنگی و علمی و سیاسی و مذهبی با سایر افراد تشکیلات می باشد. اگر به جزئی از تشکیلات آسیبی برسد، بنا بر روابط منسجم و سازمان یافته، بلافاصله کلیه اعضاء و اجزاء در برابر دشمن مشترک و در جهت همدردی با جزء آسیب دیده موضعگیری می نمایند. (شهید بهشتی)

«مثل المومنین فی تواددهم و تراحمهم کمثل جسد اذا اشتکی بعض تداعی له سائر اعضائه بالمحمی و السحر» (الحیاه ج ۱)

مثل مومنان در ارتباط دوستانه با یکدیگر مثل جسمی است که وقتی یک عضوش آسیب می بیند سایر اعضاء با او همدردی می نمایند.

## رسالت ها:

تشکل اگر بر محور آرمان و عقاید اسلامی شکل گرفته باشد، سه هدف اصلی را پیگیری خواهد کرد:

### الف - پاسداری از ارزشها:

تشکل باید پاسدار ارزشها باشد نه پاسدار خود. نگهبان ارزشها باشد نه نگهبان خود. هر وقت این تشکل بجای آنکه نگهبان ارزشها باشد و تلاشگر در راه ارزشها شد، و به جای آنکه خداپرست و حق پرست و حق خواه و کمال خواه باشد، خودخواه شد، آن یک «طاغوت» است و بهتر است از سر راه مردم برداشته شود. (شهید بهشتی)

### ب - سازندگی نیروها:

تشکل باید سازنده ما باشد. آسان کننده خودسازی برای ما و کمکی برای سیر الی الله برای شرکت کنندگان در این تشکل باشد. هر وقت یکی از ما یا جمع ما به تشکلمان مشغول و سرگرم شدیم، چنین تشکلی «لهو» می شود و باید از او پرهیز کنیم. زیرا ما را از یاد خدا دور ساخته است. اگر تشکیلات آنقدر برای ما محبوب شد که جانشین خدا

تشکل باید سازنده ما باشد. آسان کننده خودسازی برای ما و کمکی برای سیر الی الله برای شرکت کنندگان در این تشکل باشد



و حق شد، این حالت «لهو» پیدا کرده که «ینهی عن ذکر الله» است و باید از آن دوری جست. دفاتر تشکل باید محل عبادت و خودسازی ما باشد. (شهید بهشتی)

### ج - فایده رسانی به مردم:

اگر تشکیلات به درد مردم نخورد «لغو» می شود و باید از لغو گریزان بود: «عن اللغو معرضون». تشکیلات باید به درد مردم بخورد و به جمهوری اسلامی کمک کند. بنابراین در داخل این تشکیلات باید برنامه ریزیهای گوناگونی نه فقط برای خود تشکیلات که برای کل جامعه و بلکه برای کل انقلاب اسلامی انجام شود. (شهید بهشتی)

اگر تشکیلات به درد مردم نخورد «لغو» می شود و باید از لغو گریزان بود: «عن اللغو معرضون». تشکیلات باید به درد مردم بخورد و به جمهوری اسلامی کمک کند.

«اقرب الناس الى الله يوم القيامة انفعهم للناس» (الحیاه) نزدیکترین انسانها به خداوند در روز قیامت نافع ترین ایشان برای مردم خواهند بود.

## شروع حرکت:

پس از آنکه جمعی هم فکر و عقیده گرد هم آمدند و تشکیلاتی شکل گرفت، معمولاً باید با آموزش و سازندگی تشکیلاتی و کلاسهای سازنده ابعاد عقیدتی و آگاه کننده در زمینه های ایدئولوژیک و سیاسی و تمرین دهنده در فعالیتهای اجتماعی سیاسی و شکل دهنده در ابعاد معنوی و اخلاقی کار آغاز شود. (شهید بهشتی)

«ما من حركة الا و انت محتاج فیها الی المعرفة» حرکتی نیست مگر آنکه تو به معرفت در آن محتاجی. (الحیا، جلد اول)

تشکیلات باید مواضع ایدئولوژیک و سیاسی خود را بیان نماید، جزوه هایی در این رابطه منتشر کند و تفسیرها و تحلیلهايش را به طور پیوسته در اختیار اعضا قرار دهد. وقتی تشکیلات مایه دار شد و مستقر شد و مورد قبول جامعه قرار گرفت، سراغ این برود که چگونه در سرنوشت امور جامعه موثر باشد. (شهید بهشتی)

«العامل علی غیر بصیره کالسائر علی غیر الطریق لا یزیدها سرعه السیر الا بعدا» کسی که بدون بصیرت عمل کند چون رونده ای است که در مسیر حرکت نمی کند و هر چه بر سرعت بیافزاید دورتر می شود. (الحیا، جلد اول)



## ویژگیهای مدیر:

تصدی مدیریت در تشکیلات اسلامی به احراز برخی صلاحیتها و برخورداری از برخی ویژگیها وابسته است از جمله:

### الف - تقوی و اخلاص:

جایگاه تصمیم گیری و نقش الگوساز مدیر اقتضاء می کند که وی فردی پرهیزگار و متوجه به خدا در اعمال خویش باشد تا کار از ثمره صحیحی برخوردار شود.

اتقوا الله يعلمکم الله: تقوا پیشه کنید، خدا خود تعلیم تان خواهد کرد

ان تتقوا الله يجعل لكم فرقانا: اگر تقوا داشته باشید خدا به شما قدرت تشخیص حق از باطل را خواهد بخشید.

### ب - صبر و سعه صدر:

سختی های کار - خصوصاً در امور مهم - برای موفقیت، نیازمند صبر و استقامت است.

«الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکه ان لا تخافوا و لا تحزنوا»: بر کسانی که ایمان آورده و برای آن استقامت کنند فرشته ها نازل می شوند که نهراسید و غمگین نباشد.

«لا یصبر للحق الا من عرف فضله»: برای حق کسی که قدرش را بداند صبر می کند.  
(الحیاه)

### ج - آینده نگری و تدبیر:

بررسی عواقب و احتمالات امور و چاره اندیشی برای آنها از ضروریات حرکتی پخته و حساب شده است. «اذا هممت بامر فتدبر عاقبته»: چون به کاری شدی عاقبتش را اندیشه کن. «من استقبل الامور ابصر»: کسی که کارها را پیش بینی کند بینا می شود.  
(الحیاه، جلد ۱ و ۲)

### د - پیشتازی عملی:

مدیر باید چون راهبری صادق، خود پیشتاز در امور باشد و عملاً سایرین را به انجام کار نیک دعوت نماید.



«كونوا دعاه الناس بغير السننكم»: مردم را با عمل و نه زبانتان به حق دعوت کنید.  
(الحیاه)

«قولوا الحق تعرفوا به و اعملوا الحق تكونوا من اهله»: حق را بگوئید تا به آن شناخته شوید  
و به آن عمل کنید تا از اهلس گردید. (الحیاه)

### ه - آگاهی و اولویت سنجی:

تصمیم گیری و عمل به موقع بدون آگاهی و تحلیل از شرایط زمان ممکن نیست و  
اتخاذ بهترین تصمیم به دانستن اولویت ها بستگی دارد.

«من اشتغل بغير المهم ضيع الهم»: هر کس به کار غیر مهم پردازد امر مهمتر را ضایع  
ساخته است. «العالم بزمانه لا تهجم عليه اللوابس»: فرد آگاه به زمان خویش دچار اشتباهات  
نمی گردد. (الحیاه)

### و - اخلاق خوش و ارتباطات قوی:

مدیر خوب باید بتواند با برخورد جذاب و لحن و پیام مناسب با ارکان مختلف  
تشکیلات و مخاطبان آن ارتباط برقرار نماید.



«ادع الی سبیل ربک بالحکمه و الموعظه الحسنه»: با حکمت و پند صحیح مردم را به سوی خدا فراخوان. «فبما رحمه من الله لنت لهم و لو کنت فظا غلیظ القلب لانفضو من حولک»: با مردم مهربان باش که اگر تند برخورد می کردی از تو دور می شدند.

### ز - انتقاد پذیری و مشورت:

موفقیت کار انسان - که ناقص و خطاپذیر است - در کنار توجه به انتقادهای صحیح و تجربه های موفق ممکن خواهد شد.

«العاقل من وعظته التجارب»: عاقل کسی است که از تجربه ها پند می گیرد.

«وقفوا (المؤمنون) اسماعهم علی العلم النافع لهم» مومنان پیرو سخن نافع اند.

«من استبد برایه هلك»: هر کس بر نظرش استبداد ورزید هلاک شد.

«احب اخوانی من اهدی الی عیوبی»: بهترین برادرانم هدیه دهندگان عیوبم به من اند.

(الحیاه جلد ۱ و ۲)



### ح - امید به آینده:

سیاه‌نمایی بیش از اندازه که رافع امید و مانع حرکت انسان شود، خصلت مومنان نیست و وجود اندیشه جبران برای مدیر الزامی است.

«انه لا ییاس من روح الله الا القوم الکافرون»: جز کافران ناامید از او نمی‌شوند.

### ط - شجاعت و توکل:

ابهت و توان لازم برای برخورد با مسائل و همچنین جسارت انجام کارهای مهم به شجاعت و توکل مدیر محتاج است.

«من اراد ان یکون اقوی الناس فلیتوکل علی الله»: قوی‌ترین انسانها شدن، توکل به خدا را می‌خواهد. (الحیاه)



حضرت علی (ع) می فرماید:  
خدا رحمت کند کسی را که  
بداند از کجا آمده و در کجا  
هست و به کجا می رود.  
در تشکیلات مهمترین معضل  
این است که افراد در جایگاه  
هایی قرار بگیرند که نمی دانند  
حقوق چیست و تکلیفش چیست.  
همین می شود که عده ای  
پر امید و ابتکار و انرژی می  
آیند و بعد با ابهام در کار و  
جایگاه دچار پیری تشکیلاتی  
می شوند.

## خست دوم:

# شناخت جایگاه عمل

## نحوه فعالیت:

نحوه فعالیت تشکلهای - بخصوص تشکلهای دانشجویی - را در چند بخش به شرح زیر مورد بررسی قرار می دهیم:

## الف - عضو:

هر چند وظائف شخصی افراد تشکل ارتباط مستقیمی با تشکل ندارد، اما از آن جهت که عدم نگاه و برنامه ریزی صحیح وی می تواند او را از تشکل دور یا آسیب پذیر نماید، لازم دیدیم تا اشاره ای بدان بنمائیم:

فردی که در یک تشکل، در راه آرمانهایش، مشغول فعالیت می گردد - خصوصا در تشکلهای دانشجویی - باید بداند که زمان حضور او در این عرصه محدود است

فردی که در یک تشکل، در راه آرمانهایش، مشغول فعالیت می گردد - خصوصا در تشکلهای دانشجویی - باید بداند که زمان حضور او در این عرصه محدود است و او باید با یک برنامه ریزی جامع در زندگی شخصی خویش خود را برای رسیدن به حدی از مطلوبیت و کارآمدی - در حوزه ای خاص - آماده سازد، تا بتواند از آن طریق خدمت شایانی به مملکت خود بنماید. این فرد طبقا نیازهای شخصی بسیاری دارد که همزمان باید به آنها توجه نماید که توجه به رشد معنوی و سازندگی اخلاقی، ارتباط مداوم با متون دینی و قرآن، تلاش برای تحکیم باورها و عقاید، توجه لازم به خانواده، انتخاب



شغل و منبع درآمد زندگی، تمرین سختی و ساده زیستی و... از آن جمله اند.

مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَ هُوَ شَابٌ مُؤْمِنٌ اَخْتَلَطَ الْقُرْآنَ بِلَحْمِهِ وَ دَمِهِ : جوان مومنی که قرآن بخواند، قرآن با گوشت و پوستش در می آمیزد. (الحیاه، جلد ۱)

لَیْسَ مِنْنا مَنْ لَمْ یَحَاسِبْ نَفْسَهُ فِی کُلِّ یَوْمٍ : کسی که هر روز خود را مورد محاسبه قرار ندهد از ما نیست. (الحیاه، جلد ۱)

طوبی لمن کان نظره عبره و سکوته فکرا و کلامه ذکرا : خوشا به حال آنکه نگاهش عبرت و سکوتش فکر و کلامش ذکر است. (الحیاه، جلد ۱)

در فضای دانشجویی یک دانشجو باید به سه نیاز اصلی علم، ایمان و آگاهی، توجه هم زمان نماید و در تشکل به تکلیف خویش برای آگاهی بخشی عمل کند. عدم توجه به هر یک از موارد فوق، ترکیبی ناموزون و غلط را شکل خواهد داد. کسی که به علم و ایمان توجه کند و از آگاهی به زمان بازماند، به راحتی طعمه بازیهای سیاسی خواهد شد و بدون توان تحلیل، جریانات سره را از ناسره باز نخواهد شناخت.

توجه به علم و آگاهی، بدون توجه به ایمان فردی توانمند ولی خطرناک را پرورش

در فضای دانشجویی یک دانشجو باید به سه نیاز اصلی علم، ایمان و آگاهی، توجه هم زمان نماید و در تشکل به تکلیف خویش برای آگاهی بخشی عمل کند

میدهد و توجه به ایمان و آگاهی، بدون توجه به علم فردی سالم و در عین حال ناکارآمد را بوجود خواهد آورد. (برگرفته از سخنان رهبری)

ناگفته نماند برخی افراد که به حق دغدغه درس و فعالیت علمی خویش را دارند، با تصمیم و نتیجه ای ناحق از ورود جدی به فعالیتها ابا می کنند. درحالیکه اگر کار تشکیلات به طور جمعی صورت پذیرد، تعداد محدودی به خاطر فشار کاری خسران نمی بینند و از طرفی رشد جمعی و فعالیت مطلوبی نصیب افراد و تشکل می گردد.

## ب - تشکل:

نکات مربوط به تشکل را در چهار بخش مورد بررسی قرار میدهم:

### ۱- فعالیت:

نوع فعالیتهای تشکل ها که به دنبال آگاهی بخشی به مخاطبان خود و جامعه می باشند، حرکتی فرهنگی - سیاسی است که البته شاید تفاوت عمده ایشان با احزاب در چیرگی فعالیتهای بلند مدت فرهنگی بر جریان سازیهای مقطعی سیاسی باشد.

طبیعی است که هر تشکل برای ماندن، باید نیروهایی را جذب کرده و پرورش دهد.

توجه به علم و آگاهی، بدون توجه به ایمان فردی توانمند ولی خطرناک را پرورش میدهد و توجه به ایمان و آگاهی، بدون توجه به علم فردی سالم و در عین حال ناکارآمد را بوجود خواهد آورد. (برگرفته از سخنان رهبری)



فلذا میتوان سه رسالت عمده تشکلها را «انجام فعالیتهای فرهنگی - سیاسی»، «جذب نیرو از میان مخاطبان» و «پرورش نیروهای جذب شده» دانست.

عزیزان! فرهنگ اساس کار ماست. در واقع فرهنگ با تمام شعب آن یعنی علم و ادبیات و غیره، روح کالبد هر جامعه است. (مقام معظم رهبری)

فقدان هر کدام از رسالتهای مذکور جامعیت حرکت تشکل را مخدوش خواهد ساخت. توجه بیش از حد به «فعالیت» در کنار بی توجهی به «جذب» و «پرورش» نیرو، وضعیتی زیگزاگی در فعالیتهای ایجاد خواهد کرد و تشکل را به افراد وابسته می سازد. متأسفانه کم توجهی نسبت به کادرسازی مساله ای است که گریبان اکثر تشکلها را گرفته است.

سه رسالت عمده تشکلها «انجام فعالیتهای فرهنگی - سیاسی»، «جذب نیرو از میان مخاطبان» و «پرورش نیروهای جذب شده» است.

برخی فعالان تشکلها چنان پنداشته اند که فعالیت فی نفسه موضوعیت دارد، لذا به همراه تعداد اندکی مشغول فعالیت و انجام کارهای نسبتاً موفق نیز شده اند. در حالی که تشکل برای گسترش نیروهای کارآمد خود باید هزینه کار تشکیلاتی جمعی و کم تجربگی نیروها و نظارت بر آنها را بدهد تا پس از مدتی کارها به یکباره تعطیل نشوند و حرکتی مداوم تثبیت گردد.



قلیل یدوم خیر من کثیر لا یدوم: فعالیت اندک و پایدار بهتر است از فعالیت مقطعی و بسیار.

هر چند ابتکاری بودن فعالیتها و بازتاب رسانه ای آنها تا حدی می توانند در اثربخشی اجتماعی فعالیت تشکل موثر افتند، اما آنچه باید برای تشکل مهم باشد نه فضا سازی های تبلیغاتی و جریان سازی های مقطعی سیاسی، که تاثیر گذاری بر مخاطبان خاص خود تشکل و رشد نیروهای جذب شده به آن است.

اما آنچه باید برای تشکل مهم باشد نه فضا سازی های تبلیغاتی و جریان سازی های مقطعی سیاسی، که تاثیر گذاری بر مخاطبان خاص خود تشکل و رشد نیروهای جذب شده به آن است.

استفاده از پتانسیل حرکت های اجتماعی همچون بازدید از مناطق محروم شهر و... برای جذب مخاطبان و انتقال پیامها در حین اینگونه حرکات و تبدیل این فعالیتها به جریانات مطالبه گرانه و نظارتی ممکن و مفید خواهد بود.

در این میان بنظر می رسد قالب «نشریه» نیز ابزاری کم هزینه و در عین حال مفید برای اهداف جذب و پرورش نیرو باشد. چرا که یک نشریه موفق می تواند ارتباطی موثر و فعال با مخاطب خود برقرار نماید و مفاهیم مدنظر خود را به او منتقل نماید؛ و از طرفی از آنجا که به توانی نسبی از فکر و مطالعات مختلف محتاج است به رشد نیروهای تهیه کننده آن کمک خواهد کرد. لزوم توجه به ویژگیهای مخاطب و یادگیری ابزارهای تاثیر گذاری بیشتر، چون روشهای نویسندگی و...، نیز به رشد همه جانبه ایشان



کمک می کنند.

گاه این نقیصه قشر دانشجو که اهل مطالعه نمی باشد نیز به عنوان معضل فعالیتهای مکتوب و مطالعاتی تشکلهای مطرح می شوند، که هرچند تولیدات صوتی و تصویری قالب مناسبی برای پیام رسانی می باشند. اما نباید کتاب و نشریات به عنوان مهمترین ابزار انتقال فرهنگ و اندیشه را کنار گذاشت و باید به فکر فرهنگسازی در این زمینه بود.

انجام فعالیتهای تشکلهای باید براساس فکری مدون و برنامه ریزی منطقی صورت پذیرد. این «برنامه ریزی» مبتنی بر آرمانها و تفکرات خاص صاحبان تشکل و با توجه به نیازهای جامعه، مخاطبان و خود تشکل صورت می پذیرد و به ترسیم «اهداف» و تعیین «اولویتهای» منجر می گردد. بر آن اساس «استراتژی» ها یا روندهای رسیدن به اهداف تعیین و برای تحقق آنها «برنامه» هایی خاص پیش بینی می شوند.

در این میان فعال سازی عنصر «نظارت» و مراقبه درونی می تواند عاملی مهم در اصلاح روندها و نقایص تشکل و حفظ خلوص و سلامت آن باشد.

حاسبوا انفسکم قبل ان تحاسبوا: پیش از آنکه موعدهای محاسبه شما فرا برسد، رفتارهای

خود را مورد بررسی قرار دهید. (پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله)

اما دغدغه مهمی که دست اندرکاران تشکل به آن می اندیشند، چگونگی افزایش تاثیرگذاری فعالیتهای مختلف تشکل بر مخاطب است. به نظر می رسد چنگ زدن به ابزار «هنر» برای نیل به این هدف و جهت جلوگیری از آفات مختلف بروز این دغدغه - که معمولاً با دست بردن در محتوای فعالیت و تغییر آن صورت می گیرد - مفید واقع شود.

تا برنامه ای با استدلالهایی روشن و پس از انطباق با اهداف و اولویتهای و شرایط ارائه نشود به انجام نخواهد رسید،

از آنجا که شرایط عموم تشکلهای به گونه ای است که امکان تدوین طرحی جامع و مرحله بندی شده برای حرکت بلند مدت تشکل خود را ندارند، و اساساً در تشکلهای دانشجویی عمر فعالیت افراد محدود می باشد و تا فرد بخواهد به حدی از توانمندی های فکری و عملی برسد فرصت تمام شده است، این آفت بروز می کند که فعالیتهای در راستای اهدافی که تشکل مد نظر داشته یا اولویتهایی که بر اساس نظام ارزشی خود تعیین کرده صورت نمی پذیرند. به نظر می رسد برای پرهیز از این روزمرگی، حداقل نباید از این اصل که: تا برنامه ای با استدلالهایی روشن و پس از انطباق با اهداف و اولویتهای و شرایط ارائه نشود به انجام نخواهد رسید، تخطی شود.

آنچه برای یک تشکل می تواند مفید باشد شکل گیری شرایطی منطقی و مباحثی



پخته در جمع شورای مرکزی آن تشکل است. اگر بحث مفیدی که از ثمره تفکر و مطالعه و مشورت اعضاء به دست می آید مورد توجه قرار گیرد، به همفکر سازی دست اندرکاران و اقناعی شدن مصوبات شورا کمک شایانی می نماید.

بدیهی است اولین سوالی که هر مدیر تشکل باید بتواند به آن پاسخ دهد این خواهد بود که مشخصه های فکری که ما مدعی تبلیغ آن شده ایم کدامند؟ نحوه پاسخ به این سوال اولیه به میزان عمق مبانی فکری در دست اندرکاران تشکل وابسته است و برای عمق بخشیدن به آن فکر، استفاده از اساتید انقلابی و آگاه و منابع مکتوب اصیلی که حاوی تفکرات بزرگان و معماران انقلاب اسلامی می باشند ضروری خواهد بود.

بدیهی است همه این عناصر باید در حین انجام فعالیتهای عملی مورد توجه قرار گیرند و منظور از طرح اینها رفتن به انتزاعهای تئوریک و مطالعاتی صرف نیست.

همچنین برخی به تشکلهای دانشجویی که مثلاً آرمانخواهی، عدالت طلبی و ... را اولویت کاری خویش قرار داده اند چنین انتقاد می کنند، که موضوعات مهم دیگری چون حجاب، جنبش نرم افزاری و... نیز هستند ولی شما ضریب جدی در کارهایتان به آنها نمی دهید! اگر گردانندگان اینگونه تشکلهای چنین استدلال کنند که عدالت اولویت دارد و از رهیافت آموزه های دینی، رهنمودهای رهبری - که اولویت اصلی تشکلهای

دانشجویی را این مساله دانستند - و شرایط جامعه و کشور می توان به این نتیجه رسید، پاسخ صحیح است، چرا که پرداختن به اولویتها، اصل اساسی همه حرکت‌های انقلابی است و اساساً اختلاف با گروه‌هایی مثل انجمن حج‌تیه در عرصه عملی از طرح اولویت‌های فرعی ناشی شده، و گرنه مبارزه با وهابیت ناپسند ولی با وجود فسادهای بزرگی چون رژیم شاهنشاهی و آمریکا ناپسند نیز می تواند باشد، اما این مساله را نیز نباید فراموش کرد که اگر موضوعاتی در اولویت‌های بعدی قرار دارند باید در حد خود ضریب بگیرند و به اندازه وسع تشکل در فعالیت‌هایش بروز کنند. لذا توجه همه جانبه به فعالیت‌های تشکل باید همواره مدنظر مدیران باشد.

## ۲- جذب:

اگر مخاطبان تشکل همه کسانی باشند که به نحوی از فعالیت‌های آن تاثیر می پذیرند، حیطه جذب به آن دسته از مخاطبان که تشکل نیز قصد تاثیرگذاری بر آنها را داشته است محدود می گردد. اگر هدف جذب همچون هدفی که سایر اقدامات باید داشته باشند، هدفی الهی باشد از برخی نگاه‌های ابزاری که نیرو را صرفاً برای پیشبرد اهداف خود می خواهند و تعالی او برایشان مهم نیست مصون خواهد ماند. بعبارتی تشکل باید برای خدا جذب کند و نیرو باید برای خدا بیاید. اگر اینگونه شد، قطعاً آن نیرو نیز نه به

اگر هدف جذب همچون هدفی که سایر اقدامات باید داشته باشند، هدفی الهی باشد از برخی نگاه‌های ابزاری که نیرو را صرفاً برای پیشبرد اهداف خود می خواهند و تعالی او برایشان مهم نیست مصون خواهد ماند



طمع منافع شخصی مادی، که برای تعالی خود و جامعه به تشکل گام می نهد، هر چند سایر نیتها و انگیزه ها نیز در طول زمان قابل تغییر و تصحیح اند.

از آنجا که مخاطبان تشکلهای معمولاً به دو دسته «خاص» و «عام» قابل تفکیک اند و مخاطبان خاص از مشترکات بیشتری با تشکل برخوردارند، لذا طبعاً امید به جذب نیرو از میان این دسته بیشتر خواهد بود. این مخاطبان که برای تشکلهای انقلابی عموماً طیفهای مذهبی را تشکیل می دهند، با توجه به ویژگیها، دغدغه ها، نقایص و علاقه مندی هایشان قابل تاثیر پذیری خواهند بود.

چالش اصلی تشکلهای با این دسته از نیروها، عدم احساس مسوولیت فلذا عدم ورود به فعالیتهای فرهنگی سیاسی تشکلهاست، که عموماً توجیه درس، یا بی توجهی های ناشی از مبانی غلط فکری و بعضاً نگاههای منفعت محور، ریشه این مساله اند و شایسته است که تشکلهای با تزریق روحیه ایثار و فرهنگ جبهه و زندگی جهادی به رفع این نقیصه خطرناک و البته ناشی از جهل، با برخوردی صحیح، همت گمارند.

ناگفته نماند که مخاطب اصلی جذب همین دسته اند. چرا که از اکثر مخاطبان عام توقع جذب و سپس فعال شدن در تشکل نیست و همین ها هستند که نیروهای بعدی فعال در تشکل خواهند بود.

تشکل باید برای خدا جذب کند و نیرو باید برای خدا بیاید. اگر اینگونه شد، قطعاً آن نیرو نیز نه به طمع منافع شخصی مادی، که برای تعالی خود و جامعه به تشکل گام می نهد، هر چند سایر نیتها و انگیزه ها نیز در طول زمان قابل تغییر و تصحیح اند.

هر چند محتوا و قالب فعالیت‌های تشکل در جذب مخاطبان موثر است، اما نباید عامل مهم ویژگی‌ها و رفتارهای دست اندرکاران تشکل در این مساله را نادیده گرفت و خصوصاً در کار فرهنگی که ارتباط رو در رو و مداوم افراد از نقش بسزایی در آن برخوردار است، باید روی این عامل حساب جداگانه ای باز کرد.

تشکلی که بر اساس آرمانی مشخص فعالیت می نماید، طبعاً نمی تواند بدون دافعه باشد و از پذیرش برخی افراد سر باز نزند، هر چند جاذبه حداکثری و دافعه حداقلی رویه، و برخورد برادرانه اصل ارتباطی ایشان را تشکیل دهد.

بسیاری از فعالان فرهنگی - خصوصاً در عرصه فرهنگ عمومی مانند مجلات و صدا و سیما - برای جذب مخاطب از پشت کردن به ارزشها و کوتاه آمدن از اصول خویش ابا ندارند و در قبال جلب توجه مخاطبان و پاسخ به علایق ایشان اقدامات مبتدلی را نیز انجام می دهند. لذا جا دارد تا عوامل جذابیت برای نیفتادن در این ورطه بیشتر مورد بررسی قرار گیرد.

تاثیرگذاری بر مخاطب عام از ظرافت و حساسیت خاصی برخوردار است. توجه به نقاط مشترک ایشان و ارزشهای فطری و دینی می تواند نقطه عطف فعالیت‌های مورد نظر را تشکیل دهد. همه این مخاطبان به عدالت، آزادی، ایثار و نועدوستی و... به چشم

تشکلی که بر اساس آرمانی مشخص فعالیت می نماید، طبعاً نمی تواند بدون دافعه باشد و از پذیرش برخی افراد سر باز نزند، هر چند جاذبه حداکثری و دافعه حداقلی رویه، و برخورد برادرانه اصل ارتباطی ایشان را تشکیل دهد.



ارزشهایی مثبت می نگرند و هنوز مفاهیمی چون شهادت، حب اهل بیت علیهم السلام، مبارزه با ظالم و دفاع از مظلوم، رسیدگی به محرومان، مبارزه با تبعیض و رانتخواری، ساده زیستی مسوولان و... برای ایشان جذاب است. ارائه این مفاهیم در قالبهای هنری جذاب می تواند در جذب گسترده این مخاطبان نیز موثر واقع شود. شاید ملاک موفقیت تشکل در قبال این دسته از مخاطبان، نه فعال شدن ایشان در تشکل، که نفوذ تاثیرپذیری از فعالیتهای آن باشد و ناگفته نماند، این تصور که این دسته از نیروها - که بعضاً در ظاهر پایبندی به احکام الهی ندارند - ارزش گریز یا دین گریز اند تصویری مهمل است، چرا که حرکتیایی چون اعتکاف دانشجویی، مراسمات مذهبی و شبهای قدر و روزهای محرم و ارج نهادن به جایگاه شهیدان، توجه به ارزشهای مثبت در حاکمان و... نشانگر وجود باورها و ارزشهای مثبت در ایشان است، هرچند در حوزه نمادها بروز جدی نداشته باشد. لذا نباید با نوعی خودباختگی به موضوعات فرعی و مبتذل روی آورد.

البته اگر تشکلی در جذب مخاطبان خاص خود موفق و گسترده عمل نماید، می تواند از طریق ایشان و به طور غیرمستقیم، به ایجاد تحول در جامعه دست بزنند. و به عبارتی اگر همین نیروهای حزب الهی فعال شوند و در حیطه های مختلف از خود کارآمدی نشان دهند، قطعا قله های ارزشی جامعه را فتح و دلهای مردم را به سوی خود



جلب خواهند کرد.

بررسی موانع و سوالات مخاطبان برای پیوستن به تشکل و جریان فکری آن، و تهیه سازوکار پاسخ منطقی و دقیق به آنها، از مواردی است که مدیران تشکل باید آنرا مورد بررسی قرار دهند. پاسخ صحیح به این سوالات با ارتباط و چالش با مخاطب به دست می آید.

البته نباید فراموش کرد که این کار هر چند به ظاهر آسان تر می نماید، اما در واقع از سختی ها و ظرافتهایی برخوردار است که به راحتی قابل انجام نیست.

قل ادعوا علی بصیره انا و من اتبعنی : بگو من و پیروانم بر اساس آگاهی و بصیرت به دعوت انسانها مشغولیم.

لئن یهدی الله بک رجلا خیر لک من الدنیا و ما فیها: اگر خدا به وسیله تو انسانی را هدایت کند برای تو از همه دنیا و آنچه در آن است بهتر است. (الحیاه، جلد اول)



### ۳ - پرورش:

تربیت نیرو و افزودن بر توانمندی ها و آگاهی های وی به جمع شدن شرایطی در مدیران تشکل و ایجاد فضایی در درون تشکیلات وابسته است. نمی شود از مسئول تربیت نشده و نا آشنا با مبانی دینی یا فضایی غیر اخلاقی و مملو از لغو و لهو انتظار نیروسازی داشت و...

از طرفی نیروهای جذب شده نیز قبل از به کار گیری جدی در تشکل باید از حداقلهایی در حیطه آگاهی و مبانی فکری برخوردار شوند. شاید پله اول تقابل تشکل با نیروی خود پاسخ به سؤالات ذهنی و تغییر دغدغه های او باشد. شناسایی سیر رشد فکری نیروها و عوامل مؤثر بر آن تا حد رسیدن به یک نیروی مطلوب حداقل چیزی است که مدیران یک تشکل باید به آن توجه نمایند.

اهمیت انتقال صحیح مبانی فکری به نیروها از آن جهت که هر نوع انحراف در این زمینه می تواند منشأ آثار عملی زیانبار و حتی تغییر جهت حرکت تشکل در آینده باشد، دو چندان می گردد. از طرفی هر چند فعالیت در تشکل با توانمندی های عمومی همه نیروها میسر است، اما آموزش ابزارها و توانمند سازی نیروها در زمینه های مختلف از جمله کار تشکیلاتی جمعی، قالب های هنری، شیوه های نویسندگی و.... ایشان

را مهیای فعالیت مؤثرتر و موفق تر می نماید. لذا مدیران تشکل باید برای آموزش و پرورش نیروهای خود برنامه ای مدون و حساب شده داشته باشند. تهیه جزوات و استفاده از اساتید کاردان در این زمینه مؤثر است. در دسترس قرار دادن و معرفی منابع مکتوب (کتاب، مجله، سایت و...) مبتنی بر ارزش های انقلاب اسلامی و آشنایی ایشان با مؤلفه های تفکر اسلام ناب، پله اول رشد نیروها را تشکیل می دهد.

از آنجا که امکان مطالعه حجم وسیع کتابهای مفید دینی و انقلابی توسط نیروها ممکن نیست، تشکل باید در زمینه های مختلف به تهیه لیستی از بهترین کتابها اقدام کند و آنها را به نیروهای خود معرفی نماید. لزوم جامعیت این گستره مطالعاتی برای شکل دهی صحیح فضای فکری نیرو ضروری است. این گستره باید شامل زمینه های تاریخی، هنری، دینی، سیاسی، اخلاقی و... باشد. تحلیل مسایل روز و تشویق نیروها به شناخت جریان ها و پیگیری مسایل جاری عامل مهمی در ایجاد عنصر «آگاهی» در ایشان است. در این میان و خصوصاً در مسایل سیاسی استفاده از اساتیدی که از مبانی فکری ناب و فارغ از گرایش های فکری یا سیاسی خاص برخوردار باشند، نقش بسزایی را در چگونگی تطبیق صحیح ارزشهای فکری بر واقعیات عینی ایفا خواهد کرد.

اساساً نباید از دانشجویانی که قرار است در رشته های مختلف متخصص شوند،

از آنجا که امکان مطالعه حجم وسیع کتابهای مفید دینی و انقلابی توسط نیروها ممکن نیست، تشکل باید در زمینه های مختلف به تهیه لیستی از بهترین کتابها اقدام کند و آنها را به نیروهای خود معرفی نماید.



انتظار داشت که انواع کتابهای فرهنگی سیاسی را مورد مطالعه قرار دهند و از اینجاست که می توان نتیجه گرفت نقش عنصری به نام «استاد» در رساندن دانشجویان به تحلیل و مبانی صحیح از اهمیت بسیار اساسی است.

همچنین تجربه برگزاری دوره های آموزشی و کارگاههای عملی و اردوهای تشکیلاتی و... در زمینه های مختلف، نقش مؤثر آنها در ورود نیرو به فضای فکری تشکل را نشان داده است.

تشکلها که نسبت به فعالیتهای انتقادی، اجتماعی و سیاسی توجه جدی تری دارند، باید نسبت به آسیبهای این نوع حرکتها پیشگیری لازم را صورت دهند. افتادن در ورطه بدبینی و سیاه نمایی و دور شدن از انصاف، مطلق انگاری مفرط و آرمانی دیدن همه فلذا نفی همه افراد، کم توجهی نسبت به ابعاد فردی و معنوی و... باید بیش از سایر آسیبها مورد توجه باشند.

تشکلها که نسبت به فعالیتهای انتقادی، اجتماعی و سیاسی توجه جدی تری دارند، باید نسبت به آسیبهای این نوع حرکتها پیشگیری لازم را صورت دهند

و بالاخره مدیر باید از خلاقیت لازم برای گرداندن امور برخوردار باشد، ذهن و فکر مدیر باید مشغول امور تشکیلات و بررسی جوانب امور و ریزه کاری ها باشد، مدیر باید برای تک تک نیروهای خود وقت صرف کند و به مشکلات هر یک توجه کافی نماید، تا تشکلی یک دست و حول محور آرمان ها و نه صرفاً حول روابط دوستانه یا

اهداف مقطعی شکل بگیرد و نهایتاً اینکه مدیر باید سعی کند که خود الگویی از نیروی مطلوب مد نظر تشکل باشد.

#### ۴- نگاه جبهه ای:

شاید کم توجه ترین موضوع مرتبط با تشکل ها، برقراری ارتباط تشکل های انقلابی با یکدیگر باشد. بروز این مشکل را نه در همت های از دست رفته که در آرمان های بزرگی باید جستجو کرد که کم کم کوچک و فراموش شده اند. فعالان جبهه حق در اوایل انقلاب با شعار صدور انقلاب و ایجاد پایگاههای مقاومت در همه نقاط جهان وارد عرصه شده، و به راستی از موانع کوچکی چون مرزهای جغرافیایی عبور کرده بودند، چه رسد به موانعی چون سلیق شخصی و...!

تشکل های انقلاب اسلامی اگر خود را در حال جهاد شبانه روزی در جبهه فقر و غنا و حق علیه باطل ببینند و دشمنان مشترک و فعال خویش را به خوبی بشناسند، بی شک خود را بی نیاز از تقویت یکدیگر و ارتباط با هم نمی بینند.

تشکل های انقلاب اسلامی اگر خود را در حال جهاد شبانه روزی در جبهه فقر و غنا و حق علیه باطل ببینند و دشمنان مشترک و فعال خویش را به خوبی بشناسند، بی شک خود را بی نیاز از تقویت یکدیگر و ارتباط با هم نمی بینند.

ایجاد زمینه همکاری و همراهی مشترک در تشکل ها، توان ایشان را در جهت احیاء آرمانها و تحقق ارزشهای انقلابی مضاعف نموده، امکان جریان سازی و تأثیر گذاری



ایشان را چند برابر می نماید.

از طرفی استفاده از پتانسیلهای پایگاههای مختلف این جبهه، به تکمیل توان و افزایش قدرت نیروهای انقلاب کمک خواهد کرد. حمایت از حرکت های فرهنگی - سیاسی پایگاههای مختلف این جبهه موجب دلگرمی ایشان و گسترش تفکر این جریان در سطح محله، شهر، استان، کشور و جهان خواهد شد.

دست اندر کاران تشکلهای انقلابی اگر با سعه صدر و تعامل سازنده در جهت آرمانهای بلند خویش گرد هم آیند و موانع این وحدت ایدئولوژیک را از بین ببرند، به قدرتی مؤثر تبدیل خواهند شد. وگرنه تفرقه و اختلاف این صلابت را زایل خواهد کرد.

ولا تنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم : درگیری ها را کنار بگذارید وگرنه ضعیف خواهید شد و قدرت خود را از دست می دهید. (قرآن کریم)

لزوم تعیین موضع نسبت به سایر تشکلهای دانشگاه و توجه به نقایص هر کدام و تلاش برای اصلاح آنها، و نه تخریب، چرا که امکان برقراری ارتباط و جذب بدنه دانشجویی نیروهای مذهبی و حزب الهی را ممکن می سازد، ضروری است.

شاید ذکر این نکته نیز لازم باشد که مبنای این گرایش و وحدت نباید اهدافی مقطعی یا سیاسی باشد وگرنه این جمع خود به خود به تفرقه و انحراف کشیده می شود و با از دست دادن ارزش اصلی خود، یعنی تفکر ناب انقلابی، کارآمدی اش را از دست می دهد.

### فرایند نیروسازی

به یاد داشته باشید که مهمترین رکن تشکیلات عضو می باشد. تشکیلات منسجم و پویا، حاصل پویایی و انسجام اعضایی است که با بصیرت و آگاهی تشکل مورد نظر خود را انتخاب کرده و با اعتقاد و ایمان در آن فعالیت می نمایند. عضو به تشکیلات روح و جان می بخشد و اگر تشکل هایی در پیچ و خم تاریخ فراموش شده اند (اگر چه حتی راه و رسم صحیح داشته اند) ناشی از نبود اعضای با ایمان به آرمان و هدف تشکیلات بوده است. تمام پتانسیل تشکیلات باید صرف این شود که عضو به خود پیوسته را، همچون نگینی در برگرفته و پرورش دهد. که اگر چنین نشود خود نیز به فراموشی سپرده خواهد شد. در این مجال در پی آن هستیم که با اتکا به تجربیات، مراحل لازم برای سیر تشکیلاتی یک عضو را بازگویی نماییم.

به یاد داشته باشید که مهمترین رکن تشکیلات عضو می باشد.



## شناساندن آرمان ها

چشمهای تیز بین دانشجویی که به دنبال مجالی است تا در محیط جدید جمعی را برای فعالیت انتخاب نماید، همواره به دنبال شماسست. تشکلی که بتواند این چشمها را کشف کند، مرحله اول کار را به خوبی طی کرده است. دانشجویی برای قضاوت درباره یک تشکل و شناخت آن چند راه دارد. محصولات فکری و تشکیلاتی شما در برنامه هایتان مشخص می شود. در نظر او حیطه های فکری و عقیدتی برنامه های یک تشکل، مطابق با اصول و آرمان هایش می باشد. چه بسا در این مرحله، انحراف و خطای در برنامه تصویری غلط از جامعه به دانشجویان و اعضای آینده بدهد. راه دیگر مکتوبات و نشریات می باشد. در مرحله اول اساسنامه و مرامنامه هر تشکل، خطوط کلی و پایه ای یک جمع را مشخص می کند. جزوه ها، مجلات و بیانیه ها مراحل بعدی است که دانشجویی برای شناخت شما به آنها مراجعه می کند. بهتر است با دقت در ادبیات نوشتاری و سلیقه در مکتوبات داخلی تصویری خوب از جامعه برای عموم ایجاد نمایید. گروهی دیگر برای شناسایی شما به تشکل مراجعه می کنند. اگر شما چند نفری از اعضاء با تجربه آگاه نسبت به مبانی فکری اسلامی و شرایط سیاسی و اجتماعی را، برای این منظور مشخص نمایید، علاوه بر اینکه شناخت درستی از جامعه را به آنان ارائه داده اید، در مرحله بعد فرد مخاطب نیز مورد ارزیابی فرد باتجربه قرار می گیرد. در چارت



سازمانی، روابط عمومی مسئول معرفی صحیح و اصولی تشکل برای عموم می باشد. توجه داشته باشید که شناخت صحیح فقط برای عضو نیست حتی مخالفان شما نیز باید شامل این مصداق گردند.

### مراجعه افراد به مجموعه (مراجعه به افراد)

ثبت نام در یک تشکیلات می تواند آغاز راه جدید باشد. برای کسی که با انگیزه باشد، شاید بتوان آن را در زمره مهمترین انتخاب های طول عمرش محسوب کرد. عضوی که به شما مراجعه می کنند را مورد ارزیابی قرار دهید. بدون هیچ گونه تنگ نظری، میزان شناخت دینی و تحلیل هایش از شرایط روز را مورد بررسی قرار دهید. در صورتی که دارای حداقلی از این مباحث بود، جزء مخاطبین خاص شما قرار می گیرد. در غیر این صورت آن را مخاطب عام به شمار آورید. هدف از این کار پرهیز از هزینه بی مورد توان تشکیلاتی برای افرادی است، که ممکن است هیچ موقع نتوان آنها را به طور جدی وارد فعالیتهای جامعه نمود. هرچند نباید آنها را به کلی رها کرد. برای این کار تیم مشخصی را تعیین نمایید. همواره در نظر داشته باشید باید کیفیت اعضا بر تعداد اعضا اولویت داشته باشد.

همواره در نظر داشته باشید باید کیفیت اعضا بر تعداد اعضا اولویت داشته باشد.

دانشجویان مذهبی فراوانی هستند که با وجود داشتن اعتقادات و اهداف مشترک



به سمت شما نمی آیند. عوامل مشابه موارد ذیل ممکن است آنها را از شما دور نموده باشد:

۱- حجب و حیای اکثریت دانشجویان متدین

۲- پرهیز از فعالیتهای سیاسی

۳- قضاوت عجولانه و یا غلط درباره تشکل

۴- اشتباهات و کاستی های شما در ارائه برنامه های مطلوب برای ایجاد انگیزه و ...

در مرحله اول این افراد را شناسایی و بعد توسط دبیر و یا اعضای جامعه و یا دوستان ایشان که در جامعه عضو می باشند، به عضویت در جامعه دعوت شوند. باید توجه کنیم که در این موارد با توجه به علت عدم تمایل به عضویت با او مذاکره گردد.

## ایجاد تعلق تشکیلاتی

صرف ثبت نام در یک تشکل هیچ تضمینی برای استمرار حضور آگاهانه و فعالانه به همراه نمی آورد. و افراد با تجربه تشکل، وظیفه حساسی بر عهده دارند. تا موقعی که عضو جدید نسبت به تشکل احساس وابستگی و تعلق نکند، ادامه حضورش در تشکیلات مورد تردید جدی است. اولویت اقدامات این باشد که او را به داخل حلقه های دوستی میان اعضا راه دهید. در این حلقه ها با ایجاد رابطه دوستی اعضا با حلقه ها ارتباط تشکیلاتی نیز مستحکم می شود. در میان اعظم تشکیلات معاصر کشورمان پدیده کوهنوردی همراه با اعضای جدید باید مورد احترام قرار گیرد. باید برای او این نکته پذیرفته شود که به لحاظ حقوق تشکیلاتی، تفاوتی میان او و دبیر جامعه باشد. یکی دیگر از اقدامات موثر همراه کردن او در جلسات تشکل با مسئولین دانشگاه و شخصیت هایی است که با آنها ملاقات می نمایید. حتماً بعد از چند بار حضور، فرصت اظهار نظر در این جمع ها را به او بدهید. سپردن مسئولیت را به تاخیر نیندازید. متناسب با تجربه، علایق و توانایی های او و ...، وظایفی را به او محول کنید. بررسی مسائل جامعه را هیچوقت موکول به جلسات شورای مرکزی نکنید. حتماً جمع هایی داشته باشید که از اعضای جدید نیز نظر خواهی به عمل آید. از تعریف مسئولیت های جدید و سپردن آن به اعضای جدید یا جابجایی در میان مسئولیت ها ابایی نداشته باشید. نکته مهم که



در این بحث وجود دارد اولویت شخص بر کار است. در این موقع عضوی که مسئولیت پذیرفته، نباید مورد شماتت و توییح به علت ضعف در کار قرار گیرد و اگر قرار است نقدی صورت گیرد، در قالب همان حلقه های رفاقتی انجام شود.

### رشد آموزشی در کنار فعالیت

نخستین گام آموزشی برای عضو انتقال مبانی است که تشکل بر اساس آنها شکل گرفته است. فقدان آگاهی نسبت به این مبانی باعث بی هویتی تشکیلاتی و به تبع آن گم کردن هدف می شود. این مبانی جدای از اعتقادات مذهبی مردم نمی باشند و شناخت یک دانشجوی تشکیلاتی مسلمان باید خیلی فراتر از مردم عادی و یا حتی دیگر دانشجویان، با هنر یادآوری مبانی، اهداف و آرمانهای اعتقادی کاری لازم است. عضو فارغ التحصیل جامعه اسلامی دانشجویان، قرار نیست صرفاً یک تکنوکرات باشد و باید در فرایند آموزش و در کنار درس خود، به انسان معتقد با توان و شناخت عمیق معرفتی و انسان سیاسی بتوان تحصیل مسائل تبدیل گردد.

در فرایند آموزش و در کنار درس خود، به انسان معتقد با توان و شناخت عمیق معرفتی و انسان سیاسی بتوان تحصیل مسائل تبدیل گردد. ساده ترین راه برای ایجاد علاقه در فرد برای مباحث آموزشی گفتگوی جمعی در حلقه های دوستانه درباره مسائل اعتقادی و سیاسی می باشد. با طرح موضوعات اعتقادی و سیاسی عضو را در معرض این بحث ها قرار دهید و با معرفی جلسات آموزشی، کتب و مقالات متناسب با این مباحث، او

عضو فارغ التحصیل جامعه اسلامی دانشجویان، قرار نیست صرفاً یک تکنوکرات باشد و باید در فرایند آموزش و در کنار درس خود، به انسان معتقد با توان و شناخت عمیق معرفتی و انسان سیاسی بتوان تحصیل مسائل تبدیل گردد.

را برای آموزش آنها ترغیب نمایید. اهداء کتاب، رمان و مجلات متناسب نیز در این فرایند موثر می باشد. برای نشان دادن اهمیت مجموعه برای محصولات فکری و نتایج آموزشهای آنها در مرحله اول، نوشتن قسمتهایی از بیانیه جزوات آموزشی و مطالب نشریه را به او بسپارید. در فرصتی که اساتید و سخنرانان را برای برنامه های جامعه دعوت می کنید، علاوه بر برنامه عمومی یک جلسه خصوصی نیز صرفاً با بچه های جامعه درباره موضوع مورد نظر برگزار نمایید. همچنین استفاده از محضر اساتیدی که صاحب نظر می باشند در جلسات خصوصی برای اعضاء بسیار مفید می باشد. یکی از اقدامات دیگر شرکت با انگیزه آموزش در همایشها و سیرهای آموزشی جامعه و سایر تشکل ها می باشد. در مورد سایر تشکل ها و مجموعه ها باید عضو جامعه به عنوان فرصت یادگیری به آنها نگاه کند و اگر این کار باعث جدایی فرد از جامعه گردد، فقط به مجموعه ضرر وارد می کند.

در مورد حضور در همایش ها و آموزش های سایر تشکل ها و مجموعه ها باید عضو جامعه به عنوان فرصت یادگیری به آنها نگاه کند و اگر این کار باعث جدایی فرد از جامعه گردد، فقط به مجموعه ضرر وارد می کند.

### وظیفه عضو نسبت به دیگر اعضا

۱- مراقبت از یکدیگر: مواردی که بعضی از اعضا دچار مشکلات درسی می گردند، گوشه ای از مسئولیت او را به عهده بگیرید تا او با فرصت بیشتری به کارهای شخصی خود رسیدگی نماید. در دیگر مشکلات نیز سعی کنید تا آنجا که ممکن است



با تصمیمات جمعی (در صورت رضایت) برای کمک پیشگامی کنید.

در مدتی که در کنار دوستان خود فعالیت می کنید، نباید همکاری ها فقط در باره کار تشکیلاتی باشد. هر لحظه ممکن است برای شما و دیگر اعضا مشکلاتی پدید آید. از دوستان دیگرتان مراقبت کنید که ممکن است شامل مورد درسی اعتقادی، اقتصادی، خانواده و یا دیگر مشکلات شخصی او گردد. او نیاید خود را در این میدان تنها ببیند.

**۲- رعایت حریم:** با وجود اینکه لازمه حیات تشکیلاتی همراه با پویایی دوستی و نزدیکی اعضا است، ولی هر فرد برای خود حریمی قائل است که نزدیکترین دوستانش نیز حق ورود به آن حریم را ندارند. طبق شناختی که از دوستانتان طی فعالیت پیدا می کنید، به حریم خصوصی که آنها برای خود تعریف می کنند، احترام بگذارید.

نکته مهم دیگر حفظ میزان شرعی ارتباط بین خواهران و برادران می باشد

نکته مهم دیگر حفظ میزان شرعی ارتباط بین خواهران و برادران می باشد. فضای جامعه اسلامی دانشجویان نباید به سمتی برود که از نگاه دیگران شأنیت یک تشکل اصیل اسلامی را نداشته باشد. هر آنچه که شما در میزان تقید به امور شرعی و دینی مصر باشید، علاوه بر انجام واجب الهی در نگاه دیگران نیز جایگاه و اصالت خود را حفظ خواهید نمود و به بهانه هایی مثل جذب عضو و ایجاب فضای دانشگاهی به این حریم الهی در فضای جامعه اسلامی دانشجویان ضربه نزنید.

۳- افزایش انگیزه: به خود اجازه ندهید که با اعمال و گفتار خود دیگر اعضا را نسبت به آینده کار مایوس سازید. در طی فعالیت در صورت عدم موفقیت در برنامه، جو سازی های دیگران، جدایی دوستان و ... از جمله عواملی است که باعث می شود لحظات دشواری را برای شما ایجاد کند. مفید ترین لحظات در فعالیت مقابله و حل معضلات پیش آمده است. اولین وظیفه هر عضو نسبت به تشکل و دوستان دیگر پرهیز از تکرار کلمات یاس آور و تلاش برای افزایش انگیزه در میان دوستان است. به خود بقبولانید که فرصت منحصر به فردی در دوران جوانی نصیبتان شده است تا در اوج جوانی تبدیل به مردان و زنان مصمم و پر اراده گردید، و جامعه اسلامی دانشجویان جای منحصر به فردی برای این امر است. در لحظات سخت، برگزاری ادعیه مذهبی و توسل به اهل بیت و شهدا جلای روح خوبی برای تجدید روحیه است.

### احساس وظیفه نسبت به عضو جدید

هر عضو پس از طی سیر تشکیلاتی باید نسبت به اعضای جدید احساس وظیفه نماید. به ازای انتظاراتی که او در اوایل ورود به جامعه از دیگران داشت باید، انتظارات مشابه اعضای جدید را بر آورده نماید. دقت شود به جای حقایق و مباحث اصلی تشکیلاتی و رفتار مناسب و در خور شان یک عضو جدید، سلیقه های شخصی را به

اولین وظیفه هر عضو نسبت به تشکل و دوستان دیگر پرهیز از تکرار کلمات یاس آور و تلاش برای افزایش انگیزه در میان دوستان است



کار نبریم و تمام این احساس وظیفه ها باید به صورت نظام مند و در چارچوب هدف تبدیل عضو به یک عضو کیفی و موثر واقع شود.

### تحلیل و آسیب شناسی جایگاه های تشکیلاتی

۱- **عضو فعال:** اعضای فعال بازوهای تشکیلاتی و فکری دفتر جامعه محسوب می شوند. تصمیم گیری و انجام برنامه ها اگر در دبیر و شورای مرکزی منحصر شوند، باعث رکود و رخوت در تشکیلات می شود. هرچه حضور اعضای فعال در بدنه تشکیلات بیشتر شود، به پویایی تشکل نیز اضافه می شود. تا حد امکان باید اعضای فعال نیز دارای مسئولیت مشخص باشند. عضویت در کمیون واحدهای مختلف، مسئولیت در ستاد تنظیم و اجرای برنامه ها، حضور در مسئولیت و هیئت تحریریه نشریات، می تواند نمونه هایی از این مسئولیت ها باشد. عضو فعال همواره باید دغدغه مسائل و مباحث جامعه را داشته باشد. البته این مهم جز در بستر سالم تشکیلات و توجه مجموعه جامعه نسبت به نظرات و پیشنهادات او میسر نخواهد شد.

هرچه حضور اعضای فعال در بدنه تشکیلات بیشتر شود، به پویایی تشکل نیز اضافه می شود.

۲- **عضو شورای مرکزی:** شورای مرکزی مهم ترین مرجع تصمیم گیری در کارهای جامعه می باشد. شورای مرکزی که منتخب اعضای جامعه می باشد، در مقابل تک تک آنها مسئول است. حضور در شورای مرکزی از آنجا که هر فرد را در مقام



تصمیم‌گیری قرار می‌دهد، مسئولیت‌هایی نیز برای او ایجاد می‌کند. عضو شورا با درک موقعیتی که در آن قرار گرفته است، باید نسبت به اولویت‌ها و مصلحت‌های جامعه آگاهی داشته باشد. از آنجا که فرد در این موقعیت در تیرس نگاه و قضاوت اعضاء و دیگر مجموعه‌ها قرار می‌گیرد، حتی باید در رفتار و سکنات فردی نیز دقت نماید. چه بسا اشتباه و رفتار غیر تشکیلاتی (و خدای ناکرده غیر اخلاقی ...) یک فرد کل تشکل را زیر سوال ببرد. عضو شورا خود را نسبت به پذیرش تصمیم جمعی مکلف بداند و خارج از تصمیم و عرف تشکل اقدام ننماید.

دبیر با ایجاد رابطه اخلاقی و عاطفی با عضو اعتماد آنها را به خود جلب کرده، فعالترین فرد در تشکیلات باشد، و هیچ موقع احساس ریاست مجموعه را نداشته باشد.

**۳- دبیر:** دبیر مهم‌ترین رده تشکیلات می‌باشد. ولی هیچ تفاوتی نسبت به یک عضو ساده ندارد. در انتخاب دبیر باید دقت شود تا با یک اجماع، آگاه‌ترین فرد نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی و مقبولترین فرد به دبیری جامعه انتخاب شود. اعضای جامعه نیز با احترام به شأن و جایگاه دبیر به عنوان هماهنگ‌کننده تشکل سعی در تعامل سازنده با دبیر داشته باشند. دبیر با ایجاد رابطه اخلاقی و عاطفی با عضو اعتماد آنها را به خود جلب کرده، فعالترین فرد در تشکیلات باشد، و هیچ موقع احساس ریاست مجموعه را نداشته باشد. رفتار و برخورد او همواره زیر ذره بین اعضای جامعه و سایر مجموعه‌ها بوده و همواره در جامعه دبیرهای بی‌تدبیر و فاقد روحیه کار جمعی، بیشترین ضربه را به تشکل وارد کرده‌اند.



۴- **اعضای قدیمی:** هر عضوی بعد از مدتی فعالیت و کسب تجربه های لازم باید جای خود را به اعضای جدید و تازه نفس بدهد. ایجاد رابطه مفید با اعضای جدید می تواند به آنها دید درستی از فعالیت در جامعه بدهد. عدم پایبندی اعضای قدیمی به این مهم مبنی بر تامل صحیح با دیگر اعضا می تواند باعث آسیب جدی بر تشکیلات باشد. اصرار بر در پیش گرفتن روش ها و برنامه های گذشته در فعالیت ها، عدم پایبندی به تصمیمات تشکیلاتی و به رخ کشیدن زحمات گذشته، می تواند باعث به هم خوردن تعامل سازنده با اعضای جدید شود. آن دوستان باید به یاد داشته باشند شان و احترام با تصمیم تشکیلاتی ایجاد نمی شود و دقت و درک تحولات تشکل است که جایگاه آنها را حفظ می کند.

### فرایند برنامه سازی

به طور کلی هدف از تاسیس جامعه اسلامی دانشجویان، در دو هدف عمده کادر سازی و تاثیر گذاری بر فضای اجتماعی خلاصه شده است. هر دو هدف در سایه یک هدف غایی یعنی آرمان خواهی بر پایه مبانی دینی شکل می گیرد. چنانچه مشخص است، اجتماع امروز حساب ویژه ای بر روی دانشگاه و دانشجو باز نموده و مسئولیت های عمده در اداره آینده کشور بر عهده دانشجویان نسل امروز می باشد؛ اما دانشگاه

امروز دانشجویی تربیت می کند که معلوم نیست صرف تربیت کلاسیک دانشگاهی عنصری مفید و به درد بخور برای رفع نیازهای بومی کشور باشد. چرا که دانشگاههای امروز ایران بر اساس آنچه در دنیای غرب طرح ریزی شده اداره می گردد. این دانشگاه بر اساس نیازهای غرب بوده و انسانهایی تکنیکالی تربیت می کند که لزوماً آموزه های آنها منطبق بر آموزه های دینی و بومی ما نمی باشد، بنابر این صرفاً بر اساس تربیت دانشگاهی، دانشجو نمی تواند عنصری متناسب با جایگاههای مدیریتی مورد نیاز امروز و آینده کشورمان باشد. بر این اساس، یک هدف عمده جامعه اسلامی دانشجویان پر کردن این خلاء در محیط دانشگاه می باشد. بدین نحو که افراد با حضور در فضای مدیریتی تشکل به نحوی منحصر به فرد شیوه های مدیریت اسلامی را تجربه می کنند. مدیریت در مجموعه ای متشکل از افراد جوان پر انگیزه که به نام هدفی مقدس گرد هم جمع شده اند. مدیریت در این مجموعه شاید متفاوت از تعاریف کلاسیک مدیریت باشد، مدیریتی که در آن مسئول ترین افراد پر کار ترین افرادند و اعضای مجموعه در انجام کارهای روی زمین مانده از هم پیشی می گیرند، روح ایثار بین آنها ترویج یافته تا بتوانند فارغ از چارچوبهای خشک مدیریتی مرسوم، به دیگر اعضای مجموعه در انجام وظایفشان کمک کنند. گویی همه یک انسانند که تعالی هر بخش را تعالی خود و نقصان در هر بخش را نقصان در خود می بینند. مسلماً تربیت در فضایی که کار کردن آن با روح ایمان و ایثار، محبت و معرفت همراه است، تجربه ای از نوعی فعالیت در

مدیریتی که در آن مسئول ترین افراد پر کار ترین افرادند و اعضای مجموعه در انجام کارهای روی زمین مانده از هم پیشی می گیرند،



ابعاد مختلف در اختیار فرد می گذارد؛ تجربه ای که در آن فرد می فهمد برای رسیدن به آرمان متعالی خود، باید خود را در جبهه مبارزه حق علیه باطل ببیند که لحظه ای غفلت و دنیا اندیشی او را از رسیدن به آرمانش دور می کند، طی شدن این مسیر فرد را به کادری تبدیل می کند که اگر به اهمیت این تجربه الهی واقف باشد و همواره در این فضای آرمانی سیر کند، می تواند در آینده در صورت واگذاری مسئولیتهای اجتماعی، در هررده ای از این ره توشه استفاده نماید و نوعی مدیریت اسلامی را پیاده سازی کند. آنچه که امروزه فقدانش در بخشهای مختلف مدیریتی مشاهده می شود. بنابراین شاید بتوان گفت مهمترین هدف تاسیس جامعه اسلامی دانشجویان کادر سازی برای انقلاب اسلامی است. مسلماً ساخته شدن این کادر در گرو فعالیت عملی در راستای آرمانهایش می باشد، لذا طی فرایند نیرو سازی فرد از یک عضو عادی می بایست تا مرحله برنامه ریزی و اجرای برنامه ها یعنی فرایند برنامه سازی پیش رود تا مسیر مطلوب را طی کرده باشد. طی فرایند برنامه سازی علاوه بر ساخته شدن فرد و کادر سازی، هدف دیگری نیز تامین می شود. طی اجرای برنامه ها که دارای مخاطب های خاص و عام می باشد، افراد دیگر دانشگاه و در نهایت مردم نیز مخاطب آرمانهای دینی ما قرار خواهند گرفت. چرا که فرایند برنامه سازی چون در طول فرایند نیرو سازی است، مسلماً آرمانهای اصلی مجموعه را در خود خواهد داشت و گرچه هدف از اجرای برنامه ها از یک بعد ترویج عقاید آرمانی ماست، که در طی اجرای برنامه افراد دیگری نیز در منظر آرمانهای

مهمترین هدف تاسیس جامعه اسلامی دانشجویان کادر سازی برای انقلاب اسلامی است

ما قرار می گیرند، اما در این فرایند، هدف مهمتری نیز میسر می شود و آن ساخته شدن خود نیرو و کمک به کادر سازی است. البته لازمه این مهم که شاید بدیهی نیز به نظر برسد، این است که در درجه اول باید اجرای برنامه های ما در راستای آرمانهای ما باشد (طبیعتاً برای تحقق این امر، باید اهمیت آرمانی فعالیت در مجموعه برای اعضای مجری تبیین شده باشد). نکته ای که باید به آن اشاره نمود این است که، گردانندگان جامعه اسلامی دانشجویان نباید به ثمر رسیدن کار را به تربیت نیرو ترجیح دهند.

به عبارت دیگر مهمترین عنصر در مجوعه ما باید خود افراد باشند چرا که این افرادند که در طی مراحل تشخیص نمادی از آرمانهای اصیل تشکل خواهند شد. باید تربیت شدن این نیرو را به اجرای برنامه ها اولویت دهیم، چه بسا مشاهده می شود گردانندگان جامعه بعضاً حاضر به طرد شدن نیروها برای اجرای بهتر برنامه ها هستند. حال اینکه این برنامه ها هستند که باید برای ساخته شدن کادری که نمایانگر آرمانهای تشکل است فدا شوند.

«در یک کلام در تشکیلات ما نیرو بر کار ترجیح دارد.»

اما در عمل چه مسائلی را در یک فرایند برنامه سازی باید در نظر گرفت؟ طبیعتاً افرادی که به دنبال برنامه سازی در مجموعه هستند، طی فرایند نیرو سازی به طور دائم

گردانندگان جامعه اسلامی دانشجویان نباید به ثمر رسیدن کار را به تربیت نیرو ترجیح دهند.



آرمانهای آنها تعلیم و تکمیل می شوند، لذا به خوبی با آرمانها آشنایند و در طی انجام برنامه ها نیز یافته های آنها ارتقاء می یابد. اما چون به طور معمول شوراهای دانشگاهها به طور یکساله فعالیت دارند، لذا با توجه به آرمانها می بایست اولویت به تعدادی از این آرمانها داده شود و محور اصلی فعالیت ها بر اساس این خطوط کلی، اعتقادی سیاسی باشد. در واقع تمرکز بر روی همین اولویت ها باشد و از پراکندگی در اهداف پرهیز شود. در این کار می توان از مشورت مرتب و با برنامه با خبرگان و نخبگان استفاده کرد. در مرحله بعد باید برنامه هایی با مخاطب های مشخص معین نمود.

به طور معمول با دو دسته مخاطب خاص و مخاطب عام مواجه هستیم. مخاطب خاص شامل افرادی است که اصول کلی آرمانهای ما را پذیرفته اند و لذا بدون نیاز به برخی از پیش نیازها می توان در مسیر تسریع در رشد آنها اقدام کرد.

از طرفی باید بدانیم که جامعه مجموعه همه بعدی است و باید نسبت به تمام افراد و اقشار دانشگاه احساس مسئولیت داشت (با توجه به خطوط کلی اعتقادی و آرمانی) و لذا می بایست برنامه هایی نیز برای مخاطب عام داشت و فضای عمومی را نیز در حد توان تحت تاثیر عقاید خود قرار دهیم تا زمینه مراجعه آنها به اهداف ما فراهم گردد. و پس از این مراجعه، مجموعه ما کمک دهنده این افراد باشد و آنها از مخاطب عام به

مخاطب خاص تبدیل شوند. در اجرای برنامه ها باید به مخاطب خاص و عام توجه داشت و ظرافت های مربوط به هر مخاطب را رعایت نمود (لزوم مخاطب شناسی).

در حین تعریف برنامه ها نباید به تعداد و کمیت برنامه ها توجه داشت. بلکه نکته مهم اجرای باکیفیت برنامه هاست. حتی اگر در کل تعداد برنامه ها کم باشد، برنامه ای که بدون نقص و با نظم و کیفیت برگزار گردد، در مخاطب تاثیر مثبت می گذارد و عامل مثبتی در قضاوت افراد نسبت به مجموعه و مراجعه آنها خواهد بود. بالعکس برنامه ای بدون کیفیت و بی نظم در ذهن مخاطب، مجموعه را کم ارزش جلوه می دهد. در واقع افراد و برنامه ها نماد بیرونی تشکل و عقاید مربوط به آن می باشند و این صورت بیرونی تا حد امکان می بایست صورتی وجیه باشد.

نکته دیگر در تعریف برنامه ها پرهیز از فعالیت های تک بعدی است. جامعه اسلامی دانشجویان مجموعه ای است که ظرفیت استفاده از همه نوع فعالیتی را دارد.

نکته دیگر در تعریف برنامه ها پرهیز از فعالیت های تک بعدی است. جامعه اسلامی دانشجویان مجموعه ای است که ظرفیت استفاده از همه نوع فعالیت های اعتقادی، سیاسی، ورزشی، صنفی، علمی و ... را دارد و باید از تمامی این ظرفیت ها برای پیشبرد اهداف بهره جست. بعضاً فعالیت های تک بعدی مضراتی نیز به جا خواهد گذاشت. به عنوان مثال، در صورتی که صرفاً به انجام فعالیت های آموزشی پرداخته شود و افراد فقط در فضایی انتزاعی به مباحث تئوریک بپردازند و به نوعی مبانی تئوریک با عمل و اجرا



توأم نگردد، موجب پرورش نیروهایی می گردد که همیشه خود را محق اظهار نظر می دانند ولی تکلیفی در انجام امور اجرائی و عملی در خود احساس نمی کنند، در حقیقت دامن زدن به بحث تفکیک نیروی فکری و اجرایی به طور معمول مجموعه را از لحاظ تشکیلاتی دچار معضلات و اختلافات زیاد خواهد کرد.

پس از تعریف برنامه ها و در مرحله اجرای برنامه ها، رعایت برخی نکات ضروری است. اولاً چنانچه ذکر شد برنامه می بایست در حد امکان از کیفیت بالایی (البته هماهنگ با فضای دانشجویی و به دور از اسراف) برخوردار باشد و بدین منظور لازم است تقسیم بندی تشکیلاتی برای اجرای قسمتهای مختلف آن صورت پذیرد. بعلاوه می بایست در اجرای برنامه از حداکثر نیروها استفاده نمود. گرچه ممکن است مسئولین اجرای برنامه اشخاص مشخصی باشند ولی هیچگاه دیگر افراد تشکل نباید به واسطه این تقسیم بندی تشکیلاتی احساس مسئولیتی در اجرای برنامه ها نمایند. خود را در اجرای برنامه ها مسئول بدانند و تا حد امکان به مسئولان رسمی برنامه ها کمک کنند. در واقع همه اعضا باید خود را بخشی از کادر برنامه ریزی و مجری بدانند. در چنین فضایی، بسیار مناسب است تا نیروهای تازه کار و جدیدتر نیز در کارها دخیل شوند و به آنها مسئولیت داده شود. این امر تعلق تشکیلاتی افراد را زیاد کرده و افراد خود را بخشی از مجموعه احساس می نمایند.

گرچه ممکن است مسئولین اجرای برنامه اشخاص مشخصی باشند ولی هیچگاه دیگر افراد تشکل نباید به واسطه این تقسیم بندی تشکیلاتی احساس مسئولیتی در اجرای برنامه ها نمایند.



نکته ای دیگر در اجرای برنامه ها توجه دقیق به ظرافتهای برنامه هاست. چرا که بعضاً تاثیر گذاری این برنامه ها و نکات حاشیه ای بیشتر از اصل برنامه است. به عنوان مثال، تزیین مناسب و متناسب محل برگزاری برنامه، استفاده از امکانات سمعی و بصری نظیر کلیپ و فیلم، استفاده از ویژه نامه و بروشور و به طور کلی استفاده از جلوه های هنری جهت تفهیم بهتر و تاثیر گذاری در راستای اهداف برنامه ها بسیار موثر است و لازم است حتماً نیروهای مجزایی برای برنامه ریزی این قسمتها در نظر گرفته شوند.

مطلب مهم دیگر در اجرای برنامه ها، غافل نشدن از مسائل تشکیلاتی است. تعدادی از اعضای با سابقه تشکل می بایست فرصت خود را در طول برنامه ها برای شناسایی افراد هم فکر جدید و راهنمایی آنها برای همراهی با تشکل صرف نمایند. چرا که علاوه بر مراجعه افراد به تشکل یکی دیگر از راههای فعالیت در راستای اهداف و آرمانهای اصیل تشکل، مراجعه به افرادی است که در آنها زمینه های اولیه برای همراه شدن با مجموعه مشاهده می شود.

در نهایت، آنچه در اجرای برنامه ها باید به آن توجه نمود این است که نباید آنقدر مشغول برنامه ها شد که دچار روزمرگی گردیم. بلکه در برنامه ها باید از سطحی نگری پرهیز نمود و همواره با نگاه به نقطه آرمانی حرکت کنیم تا منحرف نشویم. هر از گاهی



دور هم جمع شویم و با نگاهی به گذشته و یادآوری اهداف و آرمانها، برنامه هایمان را با اصول اولیه چک نماییم تا مبدا لحظه ای غفلت و فراموشی اهمیت فعالیت را از یادمان ببرد.



نیروهای جدید، عناصر تشکیل دهنده ی ساختمان تشکل در گذشته و حال و آینده اند. این عناصر باید بر ستون هایی قرار گیرند و بنای تشکل را بسازند.

ساخت درونی تشکل را آموزش در بستر تشکیلات می سازد. نیروها ساخته می شوند تا در ساختار به کار آیند.

آجر نپخته در ساختمان، پی ها را سست می کند و ریختن ساختمان را محتمل می سازد.

## خست سوم:

# طاق زنی بر ستونهای مستحکم

## طرح بستر سازی یا سازماندهی تشکیلاتی و آموزشی

همه تشکلهای و احزاب معمولاً حول محور یک تفکر متشکل می‌شوند، و در صورت تمایل به بقاء و رسیدن به هدف نیازمند اتخاذ منشی برای نشر این تفکر یا تقویت محور بوجود آورنده تشکیل‌اند چون سر پا ماندنشان منوط به وجود محور است. و بنظر می‌رسد مهمترین راه بقاء احزاب و تشکلهای جذب و تربیت نیروهای جدید بر مبنای تفکر و محور وجودی آنهاست. تا بر اثر گذشت زمان و رفتن نسلهای اول همچنان روند جاری بودن تشکلهای پا برجا بماند.

مهمترین راه بقاء احزاب و تشکلهای جذب و تربیت نیروهای جدید بر مبنای تفکر و محور وجودی آنهاست

جامعه اسلامی دانشجویان نیز به عنوان یک تشکل دانشجویی با سابقه سیاسی فرهنگی از این قاعده مستثنی نبوده و بلکه بیشتر از بقیه، نیازمند همین مسیر است، چون نکته‌ای که این مسیر را در تشکلهای دانشجویی پر رنگ‌تر از بقیه تشکلهای سیاسی و فرهنگی می‌کند این است که جایجائی نسلها در آن سریع اتفاق می‌افتد و این هم به خاطر محدود بودن بازه زمانی و ماندگاری دانشجویی است (حداکثر ۴ تا ۷ سال) این مطلب، جذب و تربیت نیرو را مسئله‌ای حیاتی برای ماندگاری تشکلهای دانشجویی می‌سازد. بخشی که بطور نسبی در حال حاضر تشکلهای دانشجویی از پس آن برآمده‌اند. جذب نیرو بوده ولی روند نیرو سازی تقریباً به صفر میل می‌کند.



بنظر می‌رسد مهمترین علت رکود تشکلهای دانشجویی این است که در بهترین حالت فقط ۲-۴ درصد دانشجویان را در عضویت خود داشته و به جرأت می‌توان گفت که ۵/۰ درصد از این افراد هم تحت آموزشهای تشکلهای خود نبوده و آشنایی کامل حتی با تشکلهای خود نیز ندارند و نبود آموزش و خلاء ایدئولوژیک ناشی از آن و نبود روندهای منظم تشکیلاتی برای پیاده شدن جریان آموزشی عامل رکود شدید فعالیتهای دانشجویی شده است.

همین عامل باعث ترس دوستان ما حین انجام انتخاباتهای دفاتر می‌شود که مبادا گروهی با تفکری خاص زمام امور دفاتر را بدست بگیرند. برای مثال بیشترین آسیب را می‌توان به وضوح در دفتر تحکیم دید. تشکلی که بعد از شکل گیری با توجه به موج انقلاب در نسلهای بالا بردن و رشد سطح فکری و سیاسی و عقیدتی مردم افرادی نخبه دور هم جمع شده و پایه‌گذار فعالیتهای بزرگی چون تسخیر لانه جاسوسی و هدایت جنگ در قسمتهای مختلف و ... شدند؛ ولی بعد از ۱۲-۱۰ سال به علت نبود بسترهای تشکیلاتی دقیق و عدم شفافیت و مشخص کردن مرزها که از عوارض نداشتن آموزش منظم عقیدتی سیاسی و مشخص نکردن دقیق هدف و محور اتحاد افراد می‌باشد و همچنین نفوذ نیروهایی با هدفهای آلوده مجبور شدند دو دستی یک تشکل اسلامی را تقدیم نیروهای نهضت آزادی و ملی مذهبی‌ها کنند. و این کار نه به زور بلکه با یک

نبود آموزش و خلاء ایدئولوژیک ناشی از آن و نبود روندهای منظم تشکیلاتی برای پیاده شدن جریان آموزشی عامل رکود شدید فعالیتهای دانشجویی شده است.

روند دموکراتیک و تشکیلاتی توسط اعضاء جدید جذب شده این تشکل انجام شد.

به نظر می‌رسد روند استحاله تشکلهای دانشجویی که سیستم باز جذب نیرو بدون توضیح و تفهیم دقیق اهداف و آموزش آنها را دارند ناشی از استحاله مبنای فکری و دستدرکاران فعلی یا جوزدگی آنها به جهت جذب نیروی بیشتر بدون داشتن تشکیلات منظم و سیستم آموزشی انجام می‌شود.

این اتفاق با عللی که برای آن ذکر شد می‌تواند در تمام تشکلهای دانشجویی (چه ارزشی و چه غیر ارزشی) اتفاق بیافتد و یا در حال اتفاق افتادن باشد.

طرح پیش رو از دو بخش آموزشی و تشکیلاتی آماده شده که به بار نشستن آن مستلزم اجرای هماهنگ دو بخش و اقدام آن با دفاتر هدف می‌باشد.



## بخش تشکیلات

در این بخش از واژه نرم‌افزار در مقابل سخت‌افزار تشکیلات استفاده می‌شود که منظور کارهای ظریف، ریزه‌کاری‌های ثابت و البته تغییرات است. ثابت، از این نظر که حتماً برای موفقیت دفاتر اصل آن باید وجود داشته باشند و قابل تغییر، اینکه روی اصول و روش آنها پافشاری وجود ندارد و در صورت طرح‌های بومی و جذابتر و عملی‌تر قابل تعویض توسط دفاتراند. سخت‌افزار تشکیلات شامل اساسنامه و آئین‌نامه است که در صورت وجود آنها در یک دفتر می‌توان گفت که این دفتر زنده (به لحاظ تشکیلاتی) است.

سخت‌افزار تشکیلات شامل اساسنامه و آئین‌نامه است که در صورت وجود آنها در یک دفتر می‌توان گفت که این دفتر زنده (به لحاظ تشکیلاتی) است.

برای مثال: وجود مجمع عمومی و انتخابات و شورای مرکزی که هر سال منتخب می‌شوند، و وجود واحدهای مختلف با تقسیم کار و خلاصه روند منظم تشکیلاتی که در اساسنامه و آئین‌نامه این دفتر برگرفته از حزب جمهوری اسلامی به کار گرفته شده است. ولی لازمه پویا شدن این روند یعنی جاری ماندن روال انتخاباتها و تجدید شوراهای مرکزی دفاتر و خلاصه وجود حیات و تحول در دفاتر ریزه‌کاری‌های تشکیلاتی می‌باشد که در صورت ایجاد و حفظ و به روز کردن آنها سخت‌افزارهای تشکیلاتی قابل اجرا خواهد بود. در این رابطه باید کمی توضیح داد. روند شکل‌گیری



دفاتر با هیئت موسس و عضو گیری شروع شده و بعد از یکسال انتخابات انجام می شود و روند اجرائی و فکری در دفاتر نشر و نما می یابد و در این روند اعضاء عادی فرم پر کرده، اعضاء فعال متصدی امور اجرایی و فکری دفاتر، زیر نظر شورای مرکزی می شود و با توجه به محدودیت زمان عضویت به خاطر تحصیل برای این فعالین دفاتر، روند ریزش آنها بصورت طبیعی و دائمی با شروع کار آنها شروع می شود و اگر برنامه ای جهت تبدیل اعضاء عادی تشکل به اعضاء فعال نباشد، یعنی نرم افزار تشکیلاتی مناسبی برای این تحول وجود نداشته باشد، سخت افزار تشکیلاتی ما با مشکل مواجه می شود. یعنی مثلاً فلان دفتر تشکل با توجه به داشتن مثلاً چند صد فرم پر شده عضویت در واحد تشکیلات، به علت نبود نرم افزار مناسب تبدیل و پرورش نیروها، دچار معضل عدم وجود نیروهای کیفی و فعال در دفاتر می شود. حتی در صورت نبود نرم افزار مناسب این مشکل از یک مرحله قبل نیز یعنی نیروگیری ممکن است اتفاق بیفتد. یعنی حتی در ورودی ها و اعضاء عادی و جدید دفتر نیز اختلال حاصل شده و عضو عادی نیز جذب نشده باشد که بخواهد فعال شده و ... در وضعیت فعلی بنظر می رسد فعالین دفاتر چشم به رحمت الهی برای ورود افراد نخبه علمی و سیاسی دانشگاهی داشته یا با گزینش چند نفر محدود در اصل با آشنائی قبلی و جذب آنها که آن هم چقدر موفقیت آمیز باشد معلوم نیست، روند رویش اعضاء فعال انجام می شود. و در دفاتر هیچ ساز و کاری یا نرم افزار تعریف شده ای از جذب نیرو و پر شدن فرم عضویت تا تبدیل



شدن آنها به عضو فعال در دفاتر و رسیدن آنها در حلقه مرکزی دفاتر (شورای مرکزی) وجود ندارد. با این مقدمه با امید به اینکه لزوم داشتن یک نرم افزار ثابت و قابل تغییر در دفاتر دانشگاهی روشن شده باشد، بخش تشکیلاتی طرح را تشریح می کنیم. در این بخش، هدف رسیدن به مؤلفه های تشکیلاتی زیر برای ایجاد زمینه شروع کار آموزشی است.

- نظم تشکیلاتی

- تعهد به تشکیلات

- فعال کردن اعضاء عادی

- احترام به شخصیت عضو

نظم بعد از تقوی، دومین سفارش امیرالمومنین به امام حسن (ع) می باشد. علت رسیدن به این نکته این است که، از یک طرف، هیچ روند منظمی برای حضور اعضاء در دفاتر وجود نداشته، و از طرف دیگر، هیچ فعالیتی بر اساس برنامه ریزی های هدفمند سالیانه نشدنی است. برای مثال مشخص نیست در امروز چه افرادی در چه ساعاتی

در دفتر حضور دارند؛ مسئولیت این دفتر برای رفع امور جاری با کیست و مشخص هم نیست که برای امروز چه کارهایی باید در دفتر انجام شود. و نتیجه این می‌شود که اعضاء نهایتاً جهت دیدن دوستان خود در دفتر حضور دارند و در صورت نبود آنها و صحبت‌های روزمره هیچ کار مثبتی در دفاتر به انجام نرسانده و چند ساعت وقت و انرژی به هدر می‌رود. ولی در صورت وجود برنامه ای جهت حضور منظم اعضاء در دفتر و مشخص بودن کارهایی که باید در روز انجام شود، با توجه به برنامه‌ریزی‌های انجام شده قبلی در شورا، هم افراد می‌دانند و می‌توانند اعتماد کنند که چه افرادی، چه روزهایی به جهت نشست دوستان در دفتراند و هم امور جاری دفتر به راحتی به پیش می‌رود.

مومنین از طولانی بودن رکوع و سجود شناخته نمی‌شوند، بلکه معیار شناخت مومن، صداقت و وفای به عهد اوست.

بخش دوم تعهد به تشکیلات است و منظور ملکه کردن وفای به عهد (واجب شرعی) نسبت به امور محول شده از تشکیلات به عضو می‌باشد. وضعیتی که فکر می‌کنیم دفاتر فعال ما نیز گرفتار آنند که علت به پایان نرسیدن مسیرهای مطالعاتی، زمین ماندن امور اجرایی و فعالیتهای فکری حتی در شوراهای مرکزی (بدون فکر حاضر شدن در جلسات) و گرفتار روزمره شدن، حاصل نداشتن تعهدی برخاسته از اندیشه دینی ما و وفای به عهد شرعی به تشکیلات می‌باشد؛ که امام صادق (ع) می‌فرمایند: مومنین از طولانی بودن رکوع و سجود شناخته نمی‌شوند، بلکه معیار شناخت مومن،



صداقت و وفای به عهد اوست. و بخش سوم که از دو قسمت تشکیل شده، قسمت اول طراحی نرم‌افزارهایی جهت تبدیل اعضاء عادی و بدون واکنش نسبت به فعالیت‌های سالیانه جامعه، به اعضایی با تعامل مثبت با دفتر و یا عضو فعال شدن آنهاست و بخش دوم شمار کردن و به کاغذ رساندن فعالیت‌های روزمره تشکیلاتی دفتر که در عین سبکی در صورت تقسیم شدن درست بین چندین نفر، در صورت عدم تقسیم کار به معضلات دفاترها تبدیل می‌شوند.

سه نقش بر شمرده شده مثل بقیه خلیقات و رفتارهای آدمی یک شبه و به صورت ناگهانی قابل اصلاح نمی‌باشد بلکه به نظر می‌رسد باید نرم‌افزارهایی ساز و کاری تعریف شود که در شروع فوق‌العاده جذاب با بار محتوایی کم باشد، که به مرور به لحاظ محتوی قوی شده و پس از گذشت یک دوره شاهد گروهی از افراد باروحیات مورد نظر شده باشیم.

در بخش اول و دوم که شامل نظم و تعهد تشکیلاتی می‌باشد ۲ بازی با پروسه زمانی ۳۰-۴۵ روزه تعریف شده که هر ۱۰ روز یک بار، بار محتوایی طرح‌ها قوی‌تر شده تا در پایان به یک شروع نسبتاً خوب برای ادامه این طرح برسیم و الزاماً این طرحها در ادامه سال تعطیل نمی‌شود، چون از خصوصیت انسان‌ها فراموشکاری و نیاز به تذکر

دائمی است. به عنوان مثال، با مسئولیت واحد تشکیلات و بزودی در ادامه سال کاغذی با طراحی جذاب در ابعاد بزرگ به یکی از دیوارهای ورودی دفاتر نصب شود (و البته واحد خواهران جداگانه) و برای آن بازی طراحی می‌شود که شورای مرکزی متعهد به انجام و رعایت قوانین آن بشود. کاغذ دارای ۴ ستون می‌باشد. ستون اول اسم فرد وارد شده به دفتر و ستون دوم بخش آزاد بوده و فرد هر چه می‌خواهد اعم از شوخی و جدی و حدیث و پیغام برای فرد خاصی ... می‌نویسد. در ستون سوم کاری که فرد در دفتر انجام داده نوشته می‌شود، که در ۱۰ روز اول می‌تواند به صورت شوخی نیز به نگارش درآید، و ستون آخر ساعت حضور فرد در دفتر می‌باشد. در صورت انجام این کار، احتمالاً نتیجه آخر ده روز اول، می‌تواند یک برد شاد با قابلیت جذب اعضاء تازه وارد به دفتر و دل بسته شدن اعضاء به این بازی باشد و تنها هدف ما از این بازی ثبت ساعت حضور در دفتر بوده که این طرح می‌تواند در ۱۰ روز آینده ادامه یافته و روندی جدی‌تر به خود بگیرد. تا در پایان آن ساعت حضور فرد در دفتر و کار انجام شده او در دفتر، چه کار شخصی و چه کار تشکیلاتی مشخص شود و فرد متعهد به نوشتن و انتقال آن به دفتر باشد. (که این خود می‌تواند معیاری جهت قائل شدن امتیازات و تعیین سطح فعالیت اعضاء باشد)

مثال بعدی که با مسئولیت واحدهای آموزش و سیاسی در شروع برای اعضاء این



واحدها و سپس برای کل اعضاء زیر پوشش انجام می شود، بازی با اهداف زیر است:

۱- رسیدن به تعهد تشکیلاتی و نظم

۲- نوشتن و به کاغذ رساندن افکار

۳- انجام امور مطالعاتی دفاتر

به همین جهت به نظر می رسد که از این اعضاء خواسته شود تا یک کاغذ آ ۴ با هر موضوعی، از طنز و تحلیل سیاسی و کاریکاتور گرفته، تا این که حتی ۵ دقیقه قبل از شروع، ص ۱۸۴ کتاب انگل شناسی را روی کاغذ کپی کرده باشد، در جلسه آینده به دفتر تحویل دهند. هدف در بازی اول تحلیل مطالب روی کاغذها نیست، بلکه هدف تحویل یک برگه سیاه شده به واحد مربوطه است؛ فقط همین. و هفته بعد با تعیین موضوع بدون درخواست روی اصولی خاص افراد آزاد باشند تا همان مقدار قبلی را به صورت تحلیل و طنز و شعر و کاریکاتور و ... به واحد مربوطه برسانند و در جلسه سوم یا چهارم موضوع و اصولب کار مشخص شده و کارها در هفته بعد تحلیل و ارزیابی شود و در پایان این بازی، گروهی نسبتاً منظم با تعهد نسبی به تشکیلات به لحاظ اطمینان دفتر جهت انجام امور فکری، با قدرت قلمزنی و قدرت نسبی شروع سیر

مطالعاتی خواهیم داشت.

مثال سوم مربوط می‌شود به بخش سوم یا قسمت اول تبدیل عضو عادی به فعال. دفاتر جامعه یا کلاً تشکیلات دانشجویی بصورت رسانه‌های یک طرفه در آمده‌اند. یعنی یک عده بصورت بازیگر مشغول فعالیت بوده و یک عده هم که اعضاء عادی می‌باشند، تماشاگر منفعل این صفحه‌اند و هیچ ارتباط سازنده‌ای بین این دو گروه نمی‌باشد. اسم این بازی را حلقه آخر گذاشته ایم از آن جهت که حلقه‌ای مفقود جهت اتصال این دو گروه به هم، جهت ایجاد تعامل مثبت بین آنها دیده می‌شد. در این بازی که طی دو تا سه ماه قابل اجرا می‌باشد و مختص اعضاء عادی است، ۱۰ روز اول هدیه‌ای کاملاً کم ارزش توسط بسته پستی به آدرس عضو فرستاده می‌شود. ۱۰ روز دوم نامه محبت‌آمیز شامل هفته جاری دفتر، فعالیت‌های آینده، شوخی‌های دفتر با نگارش محاوره‌ای می‌باشد که می‌تواند با تقسیم کار بین اعضاء عادی و اعضاء فعال و نگارش اختصاصی برای ۶-۵ نفر باشد که البته بهتر است متنی مطمئن و واحد باشد که به آدرس پستی اعضا فرستاده شود. به این روال یا مثالهای دیگر هر ۱۰ روز تا ۱۰ روز بسته پستی برای فرد انجام شود و در پایان افرادی که بازخورد مثبتی نسبت به طرح نشان می‌دهند را جداسازی و جذب قسمت دوم بخش سوم، یعنی جاری شدن در واحدهای مختلف با فعالیتهای معلوم و منظم تشکیلات و هم مشترک شدن در طرح آموزشی دفاتر می‌کنیم.



نتیجه این بازی رساندن عضو عادی به افرادی با تعامل مثبت به دفتر یا عضو فعال دفتر است.

با توجه به اینکه هدف ما فقط ایجاد وحدت در اصول و ریشه‌ها و شبهه‌های روز می‌باشد، لازم ندیدیم که دفتر مرکزی در همه امور بصورت ریشه‌ای وارد شود که این خود باعث تصلب در تشکیلات به لحاظ فکری می‌شود. هدف اجرائی و تشکیلاتی از این بخش این است که دفتر مرکزی و دفاتر ما بدانند که اعضاء تشکل به هدف آخر که هم آورنده افراد می‌باشد، رسیده‌اند. برای اجرای این طرح واحدهای سیاسی و فرهنگی و آموزش و خواهران جامعه با همکاری اعضای با سابقه‌های دفتر و متفکرین بیرون دفتر، براساس نیازهای دانشجو و مواردی که باید به او رسانده شود، موضوعاتی را بصورت ترمی تعیین کرده که در یک پروسه ۳۰-۴۵ روزه باید کتاب یا جزوه آن آماده شده و بسته‌های حداقل ۲ فرم تا پایان ترم اول تحصیلی آماده شود و سپس بصورت قدم به قدم به این شکل که دفاتر هدف تعیین شده (واحدهای تشکیلات، سیاسی و آموزش و خواهران و فرهنگی) جهت انجام اردوهای کاری در طول ترم به دفتر یا یک سفر زیارتی دعوت شده و موارد تشکیلاتی آماده شده، آموزش داده شود و بصورت جداگانه بسته‌های آموزشی عقیدتی و سیاسی نیز به این افراد داده شود و مسئولیت آموزش این افراد به عهده شورای مرکزی و اعضای فعال دفاتر بوده و حلقه اتصال



اعضای فعال و مسئول آموزش به اعضا، بسته‌هایی می‌باشد که با توجه به موارد ذکر شده قبلی جذب دفتر یا به مرحله تعامل مثبت با دفتر رسیده‌اند.

مسئولین واحدهای آموزش و سیاسی و فرهنگی و خواهران دفتر مرکزی علاوه بر مورد فوق باید موارد خام آماده‌ای را کنار بسته‌های پستی آماده کنند و برای دفاتر هدف ارسال کنند. مثل بولتن خبری و نشریه یا ماهنامه‌های فکری. پس از انجام این بخش‌ها بعد از یکسال می‌توان یک ارزیابی دقیق بر میزان فعالیت اعضا و میزان بار فکری و اجرایی افراد داشت و بعد براساس آن امتیازاتی برای اعضا فعال یا شرایط عضویت در شوراهای مرکزی دفاتر و بعد از آن شورای مرکزی تهران داشت، که البته شاید نیاز به اصلاحاتی در بخش تشکیلات آئین نامه و سطح بندی و شکل ارتقاء اعضا در آئین نامه باشد.



## بخش آموزش

برای توضیح اختصاصی آموزش باید چند قالب را مطرح کنیم و در آن قالب ها طرح ریزی آموزشی شکل را اجرا کنیم.

دوران معاصر ما مقارن با نوع جدیدی از تخصص و مجاهده است که با احتساب موضوعاتی مثل تهاجم، شیخون و ناتوی فرهنگی، جنبش نرم افزاری، اسلامی سازی علوم انسانی، الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت، اقتصاد مقاومتی، استحکام ساخت درونی نظام و ...، با عنوان کلی «جنگ نرم» اطلاق می شود.

متأسفانه جنگ نرم، به کار گیری لفظ آن، سخنرانی و همایش برای آن و تمام متعلقات دیگرش چنان برای ما عادی و غیر مهم شده است که راحت از کنارش می گذریم و بدون هیچ عکس العملی نسبت به آن فقط دانستن آن را کافی می دانیم.

حال آنکه قرار گرفتن در شرایط جهادی و داشتن آرایش جنگی اصلی ترین دلیل به کارگیری این گفتمان در عالی ترین سطح این نظام است.

دانشجویان افسران جنگ نرم هستند. در این میدان یکی از نکات، شناخت خود،

جایگاه خود و وظایف خود است. ما به عنوان دانشجو، باید در جنگ نرم از خود بروزی داشته باشیم. اگر روزی در دفاع مقدس گروه های چریکی به فرماندهی شهید چمران، لشکر محمد رسول الله (ص) به فرماندهی حاج احمد متوسلیان و شهید همت و دیگر لشگر ها و تیپ ها و هنگ ها با فرماندهان بزرگوار خود عمل می کردند و هر کدام خصوصیت عملیاتی و هدف و طرح و برنامه ای خاص داشتند، اکنون هم در بین قشر ما و در تشکل های دانشجویی مسئله ی خصوصیت ها، اهداف و نوع عمل مطرح است.

سؤال مهمی که شورای مرکزی دفاتر جامعه اسلامی دانشجویان باید از خود و اعضای خود پرسند و در مقابل آن از خود محاسبه بکشند همین است که:

در این سنگر ما چه کردیم که بتوانیم تقدیم نظام کنیم؟

فایده ی سنگر ما برای خط مقدم جبهه ی جنگ نرم چه بوده است؟

تفاوت هویتی و عملیاتی و فکری سنگر ما با سنگر کناری در چیست؟

آیا از اسلحه های خود درست استفاده می کنیم و به دشمن ضربه می زنیم؟

آیا استراتژی خاصی برای رسیدن به هدف داریم؟



افسران جنگ نرم چه فکری کرده اند و چه برنامه ای دارند برای اینکه بتوانند در این جنگ افسری کنند؟

چمران و همت و باکری و پازوکی و صیاد و متوسلیان این جنگ چه کسانی هستند؟

نکته ی بعدی، تطبیق آرایش تشکیلاتی ما بر آرایش نظامی و جهادی است که باید در جنگ نرم داشت. خط مقدم ها تعریف شوند و افسران آن انتخاب گردند.

در خط مقدم نیروهایی به ما داده اند. ما در جنگ هستیم و از نوع نرم. مسلماً در جنگ نرم قلب ها و فکر ها آماج حمله ی دشمن است. آنچه از امروز شکل ها به دست می آید این است که در خط مقدم نیروی سیاسی و نیروی فرهنگی حمله کننده و مدافع است. یعنی در صحنه ی دانشگاه رخنه ی سیاسی و رخنه ی فرهنگی عام تر از بقیه ی مسائل است. این بر عهده ی شماست که رخنه ی فرهنگی و سیاسی را سطحی و در حد دعوای روزمره و کوتاه مدت ببینید یا عمقی و بر سر مسائل اساسی مثل علوم انسانی اسلامی، هویت ایرانی-اسلامی، فرهنگ استقلال و ما می توانیم و ...

اما برای داشتن نیروهای فرهنگی و سیاسی باید دانشکده ی افسری هم داشت. جایی که افسران تربیت شوند و آماده ی رفتن به خط مقدم.

پس در یک جمع بندی باید بگوییم، در جنگ نرم باید آرایش جنگی داشت و ما نیز افسران این جنگیم و برای بروز و عمل مثبت و راضی کننده، نیروهای زبده و تربیت شده را باید به خط مقدم و در سنگر های در تیررس دشمن فرستاد. آنها هم عمل می کنند و هم اطلاعات کسب می کنند. برای این پرورش نیرو هم نیاز به یک دانشکده ی افسری جنگ نرم هست.

واحد آموزش ما به ازای این دانشکده ی افسری جنگ نرم است. ارتباط این دانشکده با خط مقدم هم توسط تشکیلات برقرار می شود. البته شاید عده ای بگویند ما با مدل چریکی و نا منظم بیشتر موافقیم که البته جای رد آن نیست. هر کس در هر تشکلی سلیقه ی خود را به کار می گیرد اما باید دانست که جنگ های نا منظم مختص شرایط نا منظم است و تشکیلات جایگاه نظم. نمی توان با برنامه ریزی های کوتاه مدت برای بلند مدت نیرو ساخت؛ چه آن که ما در اهداف خود، تربیت نیروی طراز جامعه ی نمونه ی اسلامی را در سر داریم.

### مدل دانشکده ی افسری جنگ نرم

با قبول اینکه واحد آموزش همان دانشکده ی افسری جنگ نرم است، چند سوال به وجود می آید که وظیفه هر کسی است تا پاسخی بیابد:

پس در یک جمع بندی باید بگوییم، در جنگ نرم باید آرایش جنگی داشت و ما نیز افسران این جنگیم و برای بروز و عمل مثبت و راضی کننده، نیروهای زبده و تربیت شده را باید به خط مقدم و در سنگر های در تیررس دشمن فرستاد.



## ۱- چه کسانی در این دانشکده تربیت می شوند؟

در پاسخ به این سؤال، همه ی مباحثی که حول جذب نیرو و شاخصه های یک جذبی در هر دفتری می شود تکرار شدنی است. فهم این موضوع کمک می کند تا مسئولین واحد آموزش به جای انفعال در این مهم، در کیفیت و کمیت جذب صاحب نظر باشند و وقت جدی و زیادی بگذارند. رابطه ی مسئولین آموزشی با جذبی ها و ورودی جدید ها مثل مربی دلسوزی است که برای مربی، زحمت می کشد ولی هرگز نباید او بفهمد. سختی کار دقیقاً همین جاست. چراکه در این واحد مخدوم بی عنایت خواهید بود.

رابطه ی مسئولین آموزشی با جذبی ها و ورودی جدید ها مثل مربی دلسوزی است که برای مربی، زحمت می کشد ولی هرگز نباید او بفهمد. سختی کار دقیقاً همین جاست. چراکه در این واحد مخدوم بی عنایت خواهید بود.

نکته ی مهم این است که شوراهای دفاتر بر شاخصه ها و ویژگی های افرادی که هدف جذب قرار می دهند، اقلاً چند جلسه ی تخصصی باید بحث و تبادل نظر کنند، روش ها و زمانبندی جذب و تقسیم وظایف را تعیین کنند و در عین حال سیاست کلی را جذب حد اکثری و دفع حداقلی بدانند.

در این راه افراط و تفریط ها مشخص شود تا دچار ولنگاری تشکیلاتی یا جزمیت تشکیلاتی نشویم. برای جذبی ها دسته و رده و سطح مشخص کنیم اما نه به شکلی که در بین اعضا حس شود که عده ای خودی و نور چشمی هستند و عده ای درجه

ی چندم. تقسیم بندی ها فقط به جهت سهولت شیوه و محتوای آموزشی است و نباید تبدیل به چماقی برای تحقیر، دفع یا انزجار دیگران شود.

## ۲- چه کسانی در این دانشکده مربی هستند؟

کسی که می خواهد افسر تربیت کند، جنگ ندیده و تیر نخورده و تیر نزده نمی تواند باشد. بهترین مربیان جنگی کسانی هستند که اگر علمی دارند، بارها و بارها به تجربه آن را آزموده اند. در میدان سیاست و فرهنگ، بیگانگان با این دو مهم نمی توانند فرهنگی کار و سیاست دان بسازند. وقتی در دانشکده ی افسری می خواهی سلاحی را معرفی کنی، چه طور آن را لمس نکرده می خواهی به دیگران از حس و حال و قلق و شیوه ی کار بگویی؟ یا اگر در میدان جنگ اطلاعاتی از دشمن و نیروی خودی جمع نکردی، چه طور از مواضع دوست و دشمن و اطلاعات عملیات می خواهی سخن بگویی؟

همه ی این روضه های حماسی و عبرت آموز نشان از آن دارد که بهترین مربیان و اساتید آموزشی در هر دفتری، تجربه مندان سیاسی و فرهنگی و تشکیلاتی و آموزشی آن دفتر هستند.

بهترین مربیان و اساتید آموزشی در هر دفتری، تجربه مندان سیاسی و فرهنگی و تشکیلاتی و آموزشی آن دفتر هستند.



در هر تشکل دو اتفاق می تواند رخ دهد:

یا تجربه مندان حضور دارند و مسئولین آموزشی از آنها برای تربیت استفاده می کنند و یا کسی که مسئولیت را بر دوش خود می دانند، تهی از هر تجربه ای باید به مدد مشورت ها و کمک های از بیرون تشکل راه جدید را بسازد.

در هر دو حالت استفاده از دیگر هم تشکلی هایی که در خط مقدم سیاست و فرهنگ هستند ضروری است. یک بار مسئول آموزش همان مسئول سیاسی قبلی است و از فضای دانشگاه و ظرفیت های آن خبری دارد. تهدیدها و فرصت ها و نقاط ضعف و قوت را می شناسد و یک بار نه، کسی مسئول آموزش است که نمی داند و خود آماده ی یادگیری و به کار گیری مشورت ها و تجویز دیگران و ایده ها و ابتکارات خود است.

حالتی که مسئول آموزش تشکل، از میدان برگشته و صحنه را از نزدیک دیده و جهاد کرده، برای مربی گری بهتر و به صرفه تر است اما جای نا امیدي برای کسی که این طور نیست، به هیچ وجه وجود ندارد.

ژنرالهای فرهنگی و سیاسی زیادی در تشکل ها پیدا می شوند که گرد کشنده ی



پیری و تنگ نظری بر چهره ی آنها نشسته و غرور و عجب اجازه نمی دهد با ورودی ها هم کلام شوند. لازمه ی مربی خوب بودن، وقت گذاری و دغدغه مندی است.

این که شما با تمام وجود به این نتیجه برسید که هر ورودی به دانشگاه سرمایه ی این مملکت برای تحقق آرمان بلند ایجاد تمدن نوین اسلامی است. یعنی برای همه دل بسوزانید و زحمت بکشید. این ویژگی باعث می شود در هر برهه ی رشد تشکیلاتی که هستید به فکر نیرو سازی و جایگزین پروری در دفاتر و تشکل ها باشید.

پس در جواب این سؤال کسانی بهتر اند که جامعیت کار تشکیلاتی را دارا بوده و بفهمند که هر نیرو چه آینده ای خواهد داشت و لذا چه برنامه ای باید برای آموزش او ریخت.

### ۳- چه موضوعاتی در این دانشکده تدریس می شود؟

در دانشکده ی افسری استراتژی و شیوه ی به کار گیری اسلحه دو موضوع مهم هستند. یعنی شناختن استعداد های خود و دشمن و داشتن مهارت ضربه و دفاع.

طرح ریزی برای عملیات نیاز به دانستن ظرفیت های خودی و دشمن دارد. در

لازمه ی مربی خوب بودن،  
وقت گذاری و دغدغه مندی است.



تشکل های دانشجویی، عقاید و آرمان ها، نقش ظرفیت های خودی را دارد و شناخت شبهات و رخنه های فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و ... نقش ظرفیت های دشمن. دانشجوی تشکیلاتی نا آشنا به عقاید اسلامی و انقلابی و بیگانه ی با آرمان ها و روحیه ی آرمان خواهی، جدا جایگاهی در مناسبات فکری و اجرایی ندارد.

لذا آموزش عقاید و آرمان ها، به مثابه ی استراتژی و طرح ریزی عملیات برای ما مهم است.

نکه ی بعدی که ما به ازای اسلحه های ما در جنگ نرم است، آموزش مهارت های لازم در تشکل است. در این قسمت هر آنچه مهارت می شناسید که می توان به قلب و فکر دشمن با آنها حمله کرد و از مواضع خود دفاع کرد، به کار می آیند. از نشریه نویسی و سایت داری گرفته تا فنونی مثل فن بیان و عکاسی و ساخت مستند و فیلم و فن مناظره و شناخت مغالطات و ... جمع آوری منظومه ی مهارتی تشکل هم باید با کمک و مشورت دیگر اعضای تشکل و با سابقه های آن صورت گیرد.

معادله ی کلی هماهنگی بین عقاید و آرمان ها با مهارت ها و عملیات دانشگاهی در پنج نکته است:

در تشکل های دانشجویی، عقاید و آرمان ها، نقش ظرفیت های خودی را دارد و شناخت شبهات و رخنه های فرهنگی و سیاسی و اقتصادی و ... نقش ظرفیت های دشمن. دانشجوی تشکیلاتی نا آشنا به عقاید اسلامی و انقلابی و بیگانه ی با آرمان ها و روحیه ی آرمان خواهی، جدا جایگاهی در مناسبات فکری و اجرایی ندارد.

۱- شناخت و انس با مثلث هویتی جامعه اسلامی دانشجویان، یعنی حرکت در مسیر اندیشه ها و بیانات امام و رهبری با عقبه ی فکری و اعتقادی شهید مطهری و ساز و کار تشکیلاتی شهید بهشتی.

۲- الزام اعتقادی و عملی به حرکت در چارچوب تحقق تمدن نوین اسلامی یعنی انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه ی نمونه ی اسلامی و در نهایت تمدن نوین اسلامی. مطالعات مربوطه و به کارگیری اساتید مجرب و ساخت گفتمان های مربوط به این ساز و کار اندیشه ای امام امت.

۳- دوری از هرگونه افراط و تفریط در مطالعه و انتخاب مباحث فکری، یعنی تئوریک و فکری شدن صرف و کاریکاتوری، یا فراموشی کامل مطالعه و انس با کتاب و به چالش کشیدن ذهن های اعضا با مسائل فکری مفید به عنوان منبع اصلی و اصیل کسب دانش.

۴- ارتباط دادن اندوخته ها و زحمات آموزشی تشکل با دیگر حاضرین و ناظرین دانشگاهی، با ظهور و بروز داشتن مطالعات و جلسات فکری در سطح دانشگاه و بین اساتید و ... در قالب های مختلفی مثل نشریات، جزوات، مستندات، مناظرات، بیانیه های سیاسی و فرهنگی و تفریحات و هم افزایی های تشکیلاتی.



۵- مسئله محوری به جای پرداختن به انبوه موضوعات. یکی از شاخصه های هویتی جامعه اسلامی دانشجویان از ابتدا تا کنون، پرداختن به مسائل مهم و بعضاً گفتمانی نظام است. لازمه ی رسیدن به این مرحله، مطالعات و سیرهای موضوعی-تخصصی و جلسات بحث و نظر است. تشکیل کارگروه های تخصصی برای نیل به یک مطالبه ی اصولی و یا بیان مواضع عمیق و تأثیر گذار، رهگذری جز واحد آموزش ندارد. در هر تشکل باید افرادی در کارگروه های موضوعی عضو شوند و با تعهد فراوان و دغدغه مندی نسبت به وظیفه و نتیجه، موضوعاتی را کشف و در حد وسع دانشجویی، به تبیین و حل آن پردازند.

آنجا که گفتیم تفاوت سنگر ما با سنگر تشکل کناری چیست در همین نکته است. میزان نزدیکی موضوعات انتخابی ما به گره های اصلی نظام و درد مردم و آرمان های انقلاب در میزان مفید بودن ما در جبهه ی جنگ نرم و ضربه به دشمن تأثیر گذار است.

اگر بخواهید خود را برای  
دیگران توضیح دهید چه می  
گویید؟  
وجه تمایز شما با دیگر تشکل  
ها چیست؟  
افتخارات شما چیست؟  
نقاط ضعف و قوت شما  
چیست؟  
برنامه‌ی شما برای پرورش  
انسانها چیست؟  
همه را باید بدانیم تا بتوانیم  
منصفانه دعوت کنیم به تشکل  
الهی خودمان!  
مبادا به جای دعوت به تشکل،  
به خودمان دعوت کنیم!  
مبادا به جای تشکیلات، دم  
و دستگاه مراد و مرید راه  
بیاندازیم!

## خست چهارم:

# چرا جامعه؟



پس از همه ی این مراحل و آشنایی کامل با منش آموزشی تشکیلاتی جامعه اسلامی دانشجویان، بهتر است با نمونه ای از نحوه ی دعوت دیگران به شکل خود آشنا شوید.

این قسمت از مرام مهر، عیناً از جزوه ی «راه مهر» استخراج شده است.

چرا جامعه اسلامی دانشجویان را برای فعالیت انتخاب کنیم؟

### لزوم فعالیت اجتماعی

شاید روز اولی که وارد محیط دانشگاه شدید، خود را در فضایی جدید، جوان و در عین حال، در یکی از مهمترین جایگاههای کشور که در اذهان عموم مردم از منزلتی بالا برخوردار است، یافتید و سعی در کشف محیط پیرامون خود و به نوعی تطابق با هنجارهای درونی آن، آن هم در کمترین زمان ممکن داشتید تا به نوعی به عنوان عضو این جامعه جدید محسوب شوید، اگر کمی نسبت به مسایل اعتقادی و سیاسی توجه داشتید و با اعتقاد به اینکه خود یک عضو مؤثر در این مجموعه هستید پس از مدتی این سوال برای شما مطرح می شد که چند درصد از نیروهای دانشگاه افرادی بی قید نسبت به این مسایل با اهمیت هستند؟ چه تعداد از دانشجویان از همان بدو ورود به دانشگاه افرادی بی قید نسبت به مسایل دینی بوده و چند درصد از آنان در اثر محیط دانشگاه

دچار برخی از ناهنجاریهای روحی و اخلاقی می‌شوند؟ چند درصد آنان به علت وجود فضای تبلیغی خاص یک طرفه در دانشگاهها از لحاظ سیاسی دنباله رو گرایش خاصی می‌شوند؟ و شاید صدها سوال بی‌پاسخ راجع به عملکرد مسئولین دانشگاهها و وزارتخانه‌های مربوطه که شما را به این سوال اصلی می‌رساند که اگر پایه و اساس نظام جمهوری اسلامی ایران بر مبنای دین اسلام است، چگونه است که برخی مسئولین آن از مهمترین پیام این دین یعنی شناساندن و حفظ گوهر کرامت انسان و تلاش در جهت شکوفا کردن استعدادهای نهفته آدمی غافل مانده‌اند و نه تنها در جهت ایجاد فضایی در دانشگاه که بتواند راهنمای این خیل عظیم نخبگان جوان باشد گام برنمی‌دارند بلکه بعضاً عملکرد، منش و رفتار آنها که در مواضع، سخنان و قوانین صادره از آنها ظهور پیدا می‌کند، بنحوی است که گویا بر برخی از موارد ناصحیح نیز صحنه می‌گذارند.

از سویی دیگر به علت خیل عظیم تبلیغات بیرونی، نه تنها مسئولین، بلکه بسیاری از نیروهای مذهبی در دانشگاهها، برخورد منفعلانه نسبت به مسائل روز را در پیش گرفته و ترجیح می‌دهند به عنوان یک دانشجوی خوب! بدون توجه به مسایل اعتقادی و سیاسی پیرامون خود، دوران دانشجویی خویش را به پایان برسانند.

و عده‌ای دیگر نیز در مسایل اصولی خود دچار شک و تردید می‌شوند و جهت



اثبات خود و دوری از اینکه مبدا به وابستگی به گروه اقلیت متهم بشوند از مواضع اصولی خود تنزل کرده و حتی دیگران را به راحتی و بدون شناخت زیر سوال می‌برند و در عین حال خود نیز فعالیت عملی و موثری انجام نمی‌دهند.

حال شما به عنوان یک جوان مسلمان در گام اول احساس می‌کنید که برای این فضای بیمار چه باید کرد. یک مسلمان شیعه و معتقد و پیرو مولای متقیان علی (ع) می‌داند که شیعه نسبت به اطراف خود و انسانهای پیرامون خویش هیچگاه بدون توجه نیست و همچون مولای خویش بایستی حاضر به پذیرفتن سخت‌ترین شرایط جهت تبیین، ترویج و جلوگیری از انحراف دین باشد و لذا باید انسانی معتقد به فعالیت اجتماعی و حساس نسبت به مسایل اطراف خود باشد.

شیعه نسبت به اطراف خود و انسانهای پیرامون خویش هیچگاه بدون توجه نیست و همچون مولای خویش بایستی حاضر به پذیرفتن سخت‌ترین شرایط جهت تبیین، ترویج و جلوگیری از انحراف دین باشد.

بر همین اساس وقتی که بی‌توجهی مسئولین و منفعل شدن عده بسیاری از نیروهای مذهبی را مشاهده می‌کنید، در خود احساس می‌کنید که بایستی برای بیدار کردن نیروهای معتقد و نجات عده‌ای که به علت جو سازی دچار غفلت شده‌اند کاری بکنید و حضور خود را در عرصه اجتماع از یک عضو ساده و بی‌توجه به مسائل، به یک عضو فعال در عرصه اجتماع، ارتقاء دهید.

آنچه در گام نخست به ذهن می‌رسد این است که آیا هر کس خود باید به تنهایی به



این نتیجه برسد و سپس در این مسیر اقدام کند؟ یا لازم است در ابتدا جماعتی را همفکر و همراه خود سازد و به مصداق یدالله مع الجماعه، با تکیه بر نیروی جمع، توانایی و پشتوانه خویش را در این مسیر الهی دو چندان سازد و بر سختی‌ها و دشواری‌های این مسیر خطیر فائق آید؟

مسئلاً تشکیل یک جمع از نیروهای معتقد که به منظور هدفی مشترک و مقدس گردهم آمده‌اند هم بر قوت فعالیت تاثیر می‌گذارد و هم آن جمع را در مسیر رسیدن به هدف خویش دلگرم می‌سازد. چرا که در این مسیر همواره یأس و دلسردی و حتی توقف فعالیت و انحراف، پیش روی انسان است. آفات و سختی‌هایی اعم از تندروری، کندروی و... ممکن است به سراغ هر کسی که بخواهد در این مسیر گام بردارد، بیاید یا فعالیت او را متوقف و یا دچار انحراف نماید. در صورتی که اگر این فعالیت بصورت جمعی رقم بخورد، افراد یکدیگر را در زدودن ناخالصی‌ها و خطاها یاری می‌دهند و بعلاوه محسنات همدیگر را نیز به ارمغان می‌برند که البته این مشروط به حاکم بودن فضایی معنوی و مملو از صداقت و صمیمیت در آن جمع است که این مهم در سخنان رهبر فرزانه انقلاب در جمع اعضای جامعه نیز تبیین شد و ایشان دو کلید اصلی در این مسیر را توأسی به حق و توأسی به صبر را معرفی نمودند.



در گام بعدی و پس از یافتن همفکران خود، با این سوال مواجه می‌شوید که در چه قالب و جایگاهی فعالیت خویش را به ظهور و بروز برسانید؟ پاسخ این سوال مستلزم پاسخگویی به سوالات متعدد دیگری است از جمله اینکه آیا فعالیت شما فقط در یک مسیر خاص مثلاً سیاسی یا فرهنگی است؟ آیا فعالیت شما باید از لحاظ فرم و محتوا یک فعالیت وابسته به نهادهای خارج از دانشگاه باشد؟ چگونه می‌خواهید با دانشجویان ارتباط برقرار کنید و از مسایل و معضلات دانشگاه مطلع شوید و در نهایت چگونه می‌خواهید عمل کنید؟

و پس از پاسخگویی به این قبیل سوالات، قالبی را که تطابق بیشتری با پاسخ‌هایتان داشته باشد، خواهید یافت.

پاسخ این سوالات را با کمی دقت و تأمل در تجربیات گذشتگان و مطالعه بر روی روحیات جوانان و دانشجویان و با توجه به معارف دین می‌توان یافت.

با توجه به آنکه مسایل فرهنگی و سیاسی تا حد زیادی وابسته به همدیگر هستند لذا جدا کردن مسایل اعتقادی و فرهنگی از مسایل اجتماعی و سیاسی توان ما را در مقابله با بسیاری از مشکلات می‌کاهد. چنانچه تجربه نشان می‌دهد گروه‌هایی که فعالیت سیاسی صرف انجام می‌دهند، قدرت تاثیرگذاری عمیق بر محیط اطراف خود را

ندارند و پس از مدتی به علت عدم اصالت این فعالیتها و مبتلا شدن به سیاسی کاری دچار افول می‌شوند، گروههایی نیز که فعالیت فرهنگی صرف انجام می‌دهند به علت وابسته بودن مسایل سیاسی و فرهنگی یا همواره این انگشت اتهام به سوی آنها روانه خواهد شد که به علت مقاصد سیاسی به فعالیت فرهنگی مشغولند و وابسته به گروه‌های سیاسی هستند و در نتیجه این موضوع همواره آنها را در موضع تدافعی قرار می‌دهد و یا همواره در پاسخ به علت و دلیل فعالیتهای خویش دچار سردرگمی خواهند شد در نتیجه بهترین موضع، فعالیت همزمان در هر دو عرصه است. بنحوی که مواضع و اعتقادات اصیل مجموعه با صراحت و شجاعت بیان شود و همواره از طرق گوناگون و نوآوریهای بدیع، از موضع قوت به دفاع از اعتقادات فرهنگی و سیاسی پرداخته شود. یعنی از یک طرف افراد مجموعه حتی اگر در سخت‌ترین شرایط نیز قرار داشته باشند همواره باید به اعتقادات خود و مواضع سیاسی و فرهنگی خود یقین داشته باشند و از داشتن چنین تفکراتی به خود بیالند و از طرف دیگر با توجه به مقتضیات زمان و با استفاده از ابزار مختلف در جهت اشاعه و اثبات مدعای خویش بکوشند.

از یک طرف افراد مجموعه حتی اگر در سخت‌ترین شرایط نیز قرار داشته باشند همواره باید به اعتقادات خود و مواضع سیاسی و فرهنگی خود یقین داشته باشند و از داشتن چنین تفکراتی به خود بیالند و از طرف دیگر با توجه به مقتضیات زمان و با استفاده از ابزار مختلف در جهت اشاعه و اثبات مدعای خویش بکوشند.

## آزادی عمل و حفظ اصالت لازمه حرکتهای دانشجویی

دانشگاه محل حضور نخبگان جوان است، بنابراین خصایص دانشگاه و فعالیت‌های



آن بر اساس روحیات جوان شکل می‌پذیرد جوان بودن و دانشجو بودن گردانندگان اصلی این مجموعه خصوصیتی زیبا به آن می‌بخشد و آن هم آرمان‌گرایی در این مجموعه هاست. از یک طرف جوان دانشجو وابستگی صنفی چندانی نسبت به دیگر مشاغل موجود در جامعه ندارد و از طرف دیگر بصورت آرمانی در صدد تحقق اهداف خویش است و لذا محتاج به بستری است که بتواند بصورت آزادانه و بدون قید و بندهای دست و پاگیر فعالیت خویش را سامان بخشد و در صورتی که در فضایی سالم واقع گردد بر اساس فطرت خویش، فعالیتی آرمانی و آزادانه را شکل می‌دهد. لذا بستر فعالیت باید این خصلت را برای وی فراهم سازد و او را در انجام فعالیت آزادانه خویش محدود ننماید، به علاوه این آزادی عمل و صراحت لهجه حاصل از آن که در دیگر اقشار جامعه در این حد وجود ندارد زبان این حرکت را به زبانی تند و بران تبدیل می‌کند که همچون دیگران در بسیاری اوقات سکوت را مصلحت نمی‌بیند. این امر در صورتیکه در مسیر صحیح خود واقع شود می‌تواند بسیار کارا و موثر واقع گردد ولیکن مسأله قابل تأمل این است که این خصلت توجه نهادهای بیرون دانشگاه را که خود توان بیان کردن این مطالب را ندارند به این مجموعه دانشجویی جلب می‌کند و در صورتیکه افراد از پشتوانه‌های فکری و اصیل برخوردار نباشند، وابستگی خاص به این گروه‌های بیرونی پیدا خواهند کرد و یا اینکه به راحتی ملعبه دست احزاب بیرون خواهند شد چرا که شخصی که امروز به نام دانشجو شناخته شده و جامعه انتظار بیان حقایق از

زبان او را دارد و برای او شخصیت خاصی قائل است تا دیروز دانش‌آموزی ساده بود و به ناگاه در ظرف زمان کوتاهی شأن و منزلتی خاص یافته و دارای خاستگاه اجتماعی رفیعی گشته است پس در صورتیکه آمادگی این رویکرد اجتماعی را نداشته باشد به راحتی می‌تواند بازیچه قرار گیرد. این موضوع لزوم شکل‌گیری چارچوب فکری و در نظر گرفتن راهکاری جهت صیانت از اصول اساسی و منطبق با فطرت را لازم می‌دارد، پس این حرکت چه از لحاظ محتوا و چه از لحاظ شکل با حفظ این اصول باید آزادی کامل را به همراه داشته باشد یعنی دانشجویان فعال در این عرصه نوعی از فعالیت را بر اساس نیاز و با توجه به شرایط و فضای دانشجویی انتخاب می‌نمایند و خود از مرحله فعالیت فکری و برنامه‌ریزی تا اجرا در آن سهم هستند. پس بستر فعالیت باید دارای این خصوصیت باشد و لذا مجموعه‌هایی که هدایت و تغذیه مادی، معنوی آنها به نوعی از بیرون انجام می‌شود و ضوابط خاصی برای فعالیت آنها تعیین شده و یا انتخاب افراد گرداننده اصلی مجموعه با اعمال نظر نیروهایی در خارج از دانشگاه انجام می‌شود آزادی عمل کمتری را برای اعضای آن مجموعه ایجاد می‌نمایند و طبعاً طیف وسیعی از دانشجویان، به دلیل روحیات خاص جوان ممکن است نتوانند خود را با آن قالب خاص تطبیق دهند بعلاوه این فعالیت نباید محدودیتی از لحاظ سیاسی، فرهنگی، تشکیلاتی، صنفی و ... داشته باشد تا دست افراد فعال در آن مجموعه بر حسب شرایط برای استفاده از ابزار مختلف باز بوده و محدودیتی جهت پیشبرد اهداف خود حس نمایند.

این موضوع لزوم شکل‌گیری چارچوب فکری و در نظر گرفتن راهکاری جهت صیانت از اصول اساسی و منطبق با فطرت را لازم می‌دارد، پس این حرکت چه از لحاظ محتوا و چه از لحاظ شکل با حفظ این اصول باید آزادی کامل را به همراه داشته باشد.



از طرف دیگر همانطور که بیان شد یکی از مؤلفه‌های اصلی حرکت‌های دانشجویی حفظ اصالت و محتوای آن است به بیان دیگر آزادی عمل که در بالا به آن اشاره شد با نوعی بصیرت نیز باید همراه باشد تا حرکت از سیر اصلی خود منحرف نشود و اصالت خود را از دست ندهد. چرا که همواره چشمهایی مترصد استفاده از این نوع حرکتها می‌باشند. این امر از لزوم داشتن آگاهی اولیه و فرم گرفتن مبنای تئوریک در اعضای تشکل و همچنین تعریف یک فعالیت تشکیلاتی منسجم جهت حفظ و انتقال یافته‌های اصیل اعتقادی همچنین اصول فعالیت جمعی خبر می‌دهد. پس این تشکل هم باید آزادی لازم را برای فعالیت فراهم سازد و هم از نظام تشکیلاتی جهت انتقال اصول اساسی و چارچوب محتوایی و مبانی تئوریک برخوردار باشد.

### چرا جامعه؟

بررسی تشکل‌های فعلی حاضر در دانشگاه و نگاهی اجمالی به نوع فعالیتها، جامعه اسلامی دانشجویان را به عنوان یکی از بهترین محمل‌های فعالیت مشخص می‌سازد. چرا که از یک طرف، تجربه برخی از انجمن‌های اسلامی به عنوان مجموعه‌ای که ملعبه دست سیاست‌بازان و پیاده نظام حرکت‌های سیاسی جهت بیگاری کشیدن و تست شرایط جامعه بوده‌اند را می‌یابیم که به علت نبود اصالت فکری در پشتوانه حرکت

آنها ضمن تغییر مواضع و دیدگاهها احزاب بیرون از آنها استفاده ابزاری نموده‌اند که وضعیت فعلی آنها خود شاهدهی بر این موضوع است و از طرف دیگر با توجه به تعریف بسیج شاید آزادی عملی که پیشتر به آن اشاره شد، در این شکل چندان زیاد نبوده و دانشجویان را از لحاظ فعالیت دانشجویی راضی ننماید گرچه وجود روحیات بسیجی در تعریف اصیل آن برای هر فعالیت سالمی لازم و ضروری است ولیکن این روحیات فقط با نام‌گذاری ایجاد نمی‌شود بلکه در محتوا و عمل باید نهفته باشد.

فعالتهای جدیدی که اکنون آغاز شده‌اند همچون کانونها، شورای صنفی و .... نیز از یک فعالیت خود جوش و اصیل دانشجویی بدور بوده و در واقع در خود سیستم و مدیریت دانشگاه قرار دارند و نمی‌توان عنوان جنبش دانشجویی را برای آنها قائل بود. بطور خلاصه جامعه اسلامی دانشجویان تشکیلاتی است که ضمن برخورداری از چارچوب و اصول عقیدتی معین از آزادیهای لازم برای فعالیت خود جوش و اصیل دانشجویی به صورت کامل برخوردار است.

همچنین ممکن است این موضوع مطرح شود که بهتر است تشکلی با عنوان جدید جهت فعالیت مطرح شود چرا که مثلاً تشکلی با عنوان جامعه اسلامی دانشجویان تشکلی است که حداقل از لحاظ سیاسی منسوب به گرایش خاصی است و بهتر است



برای دوری از این اتهامات و آزادی بیشتر با عنوان جدیدی فعالیت نمود. در این مورد باید گفت در درجه اول پا گرفتن چنین تشکلی به نسبت دیگر تشکل‌های عمومی مشکل‌تر است همچنین چون ارتباطات آن با دیگر دانشگاه‌ها اندک است لذا تأثیرگذاری کلان در سطح عمومی همچنین بهره‌برداری تشکیلاتی و استفاده از تجربیات و نتایج دیگر دانشگاه‌ها از آن طریق امری مشکل است بعلاوه تجربه چنین تشکلهایی نشان می‌دهد که اگر افراد آن نسبت به اصول پایبند و بر مواضع خود ثابت قدم باشند با همان چوب جناحی بودن رانده خواهند شد و لذا همان مساله در اینجا نیز مطرح است و اگر بخواهند نسبت به اعلام مواضع خود تعلق بورزند تا انگ سیاسی، جناحی بودن را نداشته باشند همواره در موضع انعکاسی و تدافعی و اثبات فرا جناحی بودن خود خواهند بود که این موضوع نیز در نهایت یا تغییر مواضع و یا موضع انفعال و ضعف را بدنبال خواهد داشت. در ادامه به بررسی نحوه فعالیت صحیح و تشریح فعالیت‌های تشکل خواهیم پرداخت.

### کادر سازی و تأثیرگذاری اجتماعی دو نوع اصلی فعالیت

کنکاش در عرصه دانشگاه‌ها و محیط‌های دانشجویی لزوم دو نوع کارکرد کلی را برای جنبش‌های دانشجویی می‌رساند اولاً به علت خصوصیت جنبشی بودن و انتظارات



بیرونی و لزوم تأثیرگذاری مجموعه بر محیط اطراف خود از دانشگاه گرفته تا عرصه‌های کلی‌تر اجتماعی، شکل می‌بایست فعالیتهایی با بروز و ظهور بیرونی داشته باشد و در جهت تأثیرگذاری بر فضای کلی و عمومی دانشگاه در جهت تنویر و روشن کردن فضای ذهنی دانشجویان بکوشد و تا آنجا که می‌تواند همفکران خویش را در سطوح مختلف افزایش دهد ولیکن این مهم خود سطح دیگری از فعالیت را لازم می‌دارد که خبر از لزوم رشد دست‌اندرکاران مجموعه‌های دانشجویی می‌دهد چرا که این افراد از این پس بعنوان متولیان فعالیتهایی خواهند بود که منشاء تأثیرگذاری اجتماعی و حرکت‌های جمعی خواهد گردید و بدیهی است این امر مستلزم وجود نوعی پشتوانه فکری و اصول‌مبنایی در اندیشه و رفتار افراد اصلی این مجموعه‌هاست. پس یکی از لوازم اصلی و اولیه ورود در این نوع حرکتها برخوردار بودن افراد از حداقل‌هایی است که پس از ورود و طی مراحل مختلف بتوانند رشد لازم را کسب کنند. آنچه مسلم است در صورتیکه این امر بخوبی صورت پذیرد بر کارکرد اول یعنی فعالیتهای باب طبع عام نیز تأثیر بسزایی می‌گذارد چرا که بهترین نوع تأثیر گذاری، تأثیر گذاری از درون متن است.

از آنجا که افراد در این روند هم محتاج به افزایش آگاهی‌های خویش هستند و هم از طرف دیگر در عرصه عمل نیز این یافته‌های خویش را در معرض قرار خواهند



داد از رشد متناسب با نیازهای جامعه برخوردار خواهند گردید و در طی دوران کوتاه دانشجویی خویش رشدی سریع خواهند داشت و در طی این مسیر می‌توانند به عنوان کادری ارزشمند برای فعالیتهای کلی‌تر و اساسی‌تر ساخته شوند که این مهم خود لزوم فعالیت درونی برای کادرسازی را می‌رساند یک بحث اساسی که در این زمینه مطرح می‌باشد این است که چگونه افرادی که تاکنون از آنان اینچنین انتظاری وجود نداشته و به ناگاه سطح انتظار جامعه از آنان به علت دانشجو بودن افزایش یافته است می‌توانند خود را با این سطح توقع تطابق دهند؟ و بعلاوه چگونه در طول این دوران که دوران کوتاهی است هم می‌توانند خود را رشد دهند که لازمه اولیه کار کردن است و هم بواسطه فعالیت اجتماعی خویش بر محیط پیرامون خود نیز تأثیرگذاری نمایند؟

بخشهایی از مجموعه که عمدتاً در واحدهایی همچون تشکیلات و آموزش متبلور است در جهت رشد دادن به اعضای تشکل گام بر می‌دارد و سعی می‌کند متناسب با نیاز و همچنین در نظر گرفتن مقتضیات و با سرعت کافی اصول اساسی و شاه کلیدهای طی مسیر را در اختیار افراد مستعدتر قرار دهد.

ساختار تشکیلاتی جامعه اسلامی دانشجویان به هر دوی این کارکردها پاسخی شایسته داده است نمودار سازمانی جامعه بطور کلی از دو قسمت عمده تشکیل شده است از یک طرف بخشهایی از مجموعه که عمدتاً در واحدهایی همچون تشکیلات و آموزش متبلور است در جهت رشد دادن به اعضای تشکل گام بر می‌دارد و سعی می‌کند متناسب با نیاز و همچنین در نظر گرفتن مقتضیات و با سرعت کافی اصول اساسی و شاه کلیدهای طی مسیر را در اختیار افراد مستعدتر قرار دهد و بخش دیگری از مجموعه که در واحدهایی از قبیل سیاسی، فرهنگی، فوق برنامه، علمی، صنفی و...

متبلور می‌گردد به منظور تأثیرگذاری بر عامه دانشجویان و فضای عمومی دانشگاه و جامعه طراحی گردیده‌اند. نکته مهم در این مورد آنست که هر چه افراد میزان فعالیت بیرونی و بروزشان بیشتر گردد بایستی به همان میزان نیز از رشد بیشتری برخوردار گردند. بعنوان مثال دبیر و مسئولین واحدها در درجه اول بایستی عزم خود را جزم به فعالیت فکری و بعد عملیاتی کردن آن در عرصه اجتماعی نمایند چرا که آنانند که بیش از دیگر اعضاء باید دغدغه امر بمعروف و نهی از منکر و اصلاح و تأثیر گذاری و برنامه‌ریزی برای آنها داشته باشند یعنی مخاطبین اول فعالیت آموزشی می‌باید خود مسئولین طراز اول تشکل باشند و موازی با این فعالیت آموزشی نیز همانها هستند که فعالترین مدیران، برنامه‌ریزان و مجریان هستند و در عرصه عمل نیز یافته‌های خود را به منصفه ظهور خواهند گذاشت پس نوعی رشد فکری - اجرایی عاید فعالان مجموعه خواهد گردید. تعطیل کردن هر یک از این وجوه با توجه به خصوصیت خاص فعالیتهای دانشجویی مجموعه را فلج خواهد کرد چرا که اگر کسی فقط از بعد فکری به تقویت خود پردازد و از عرصه اجتماعی بدور باشد یافته‌های وی بر اساس نیاز نخواهد بود.

تعطیل کردن هر یک از این وجوه با توجه به خصوصیت خاص فعالیتهای دانشجویی مجموعه را فلج خواهد کرد چرا که اگر کسی فقط از بعد فکری به تقویت خود پردازد و از عرصه اجتماعی بدور باشد یافته‌های وی بر اساس نیاز نخواهد بود.

تعطیل کردن هر یک از این وجوه با توجه به خصوصیت خاص فعالیتهای دانشجویی مجموعه را فلج خواهد کرد چرا که اگر کسی فقط از بعد فکری به تقویت خود پردازد و از عرصه اجتماعی بدور باشد یافته‌های وی بر اساس نیاز نخواهد بود.



در جهت رشد فکری و اجتماعی و مدیریتی توانمند سازند. واحدهای مختلف جامعه اسلامی دانشجویان با داشتن این دید از طرف مسئولین واحدها می‌توانند بخوبی تأمین کننده نیازهای مختلف دانشگاه و کشور باشند.

### سیراندیشه ای جامعه اسلامی دانشجویان

در این چند خط سعی شده است سیراندیشه ای جامعه اسلامی دانشجویان با تکیه برهمایش های آموزشی آن هم فقط همایش های آموزشی سالیانه بعنوان منبع و محور فعالیت های آموزشی دفاتر مورد بررسی قرارگیرد.

قطعا با انطباق زمانی این همایش ها که از سیر منطقی برخوردار بوده و باتوجه به شرایط سیاسی و فرهنگی کشور و پیشرو بودن عنصر دانشجو برنامه ریزی شده اند، می توان بازتاب این سیراندیشه ای را در مواضع سیاسی این اتحادیه نیز ملاحظه نمود.

بعد از اصلاح اساسنامه جامعه اسلامی دانشجویان در سال ۱۳۸۰، آموزش بعنوان یکی از لایه های هویتی این مجموعه بیش از پیش اصالت پیدا کرد. لازم به ذکر است سبقه آموزشی در جامعه اسلامی دانشجویان از سابقه ای طولانی برخوردار بوده که برگزاری هفت همایش آموزشی گوشه ای از آن است، لیکن برگزاری همایش های

آموزشی بصورت سالیانه آن هم «موضوع محور» از بعد از اصلاح اساسنامه در جامعه اسلامی دانشجویان به یک سنت حسنه تبدیل شد.

جامعه اسلامی دانشجویان بعنوان یکی از رویش های پربرکت انقلاب اسلامی، در نقش فرزند و صاحب ثمره انقلاب، با در نظر گرفتن رسالت تمدن سازی برای آن به شناخت دقیق تر ماهیت انقلاب اسلامی همت گمارد. به همین خاطر همایش «شکوفایی انقلاب اسلامی، فروپاشی جهان مدرن» را در سال ۱۳۸۱ با توجه به مبحث اسلام و مدرنیته بعنوان یکی از اصلی ترین و کلیدی ترین مباحث در شناخت انقلاب اسلامی برگزار نمود.

در پی مباحث اسلام و مدرنیته، علم اسلامی بعنوان راهی برای رسیدن به تمدن اسلامی مطرح گردید. تحلیل و بررسی مفصل علم اسلامی و علم مدرن، شرح توانایی آن ها در تمدن سازی، روش های ایجاد تمدن متناسب با آن ها و نقد و بررسی تمدن های مبتنی بر آن ها، مباحث مورد نظر در نهمین همایش آموزشی اعضای جامعه اسلامی دانشجویان در سال ۸۲ در دانشگاه تبریز با عنوان «انقلاب اسلامی، دهه سوم، رستاخیز علمی» بود.



جامعه اسلامی دانشجویان بعنوان چشم بیدار جامعه مبحث عدالت خواهی را برای همایش آموزشی سال ۸۳، درست یکسال قبل از انتخابات ریاست جمهوری برگزید. همایش «عدالت خواهی، هویت گمشده جنبش دانشجویی» با هدف یادآوری یکی از مهمترین وظایف جنبش دانشجویی یعنی عدالت خواهی و تشریح تئوری عدالت در حوزه های گوناگون در دانشگاه اصفهان برگزار گردید.

یازدهمین همایش آموزشی، «جنبش دانشجویی و آرمان تحقق دولت اسلامی» بود که در سال ۸۴ در دانشگاه شهید رجایی تهران برگزار گردید. بعد از اتفاقات سیاسی رخ داده در سال ۸۴ در ایران و انتخاب دکتر احمدی نژاد توجه و تذکر به آرمان «دولت اسلامی» بعنوان سومین مرحله از مراحل پنج گانه تمدن نوین اسلامی اقتضای آن روز بود.

جامعه اسلامی دانشجویان عنوان «از دین جهانی به جهان دینی» را برای همایش سال ۸۵ خود در دانشگاه شیراز انتخاب کرد. فعال سازی کارآمدی دین و راهبردهای آن و نگرش سیستمی به دین به عنوان یکی از راهبردها در دستور کار این همایش بود.

تذکر به انقلاب، تذکر به مقام و جایگاه تاریخی آن و فراموش نکردن وضع و شرایط انقلابی و در انتظار انقلاب به سربردن هدف از سیزدهمین همایش آموزشی

سالیانه جامعه اسلامی دانشجویان با عنوان «تاریخ تفکر، سنت تحول» در سال ۸۶ در دانشگاه ارومیه بود.

گام چهارم انقلاب اسلامی یا همان تحقق جامعه نمونه اسلامی موضوع چهاردهمین همایش آموزشی جامعه اسلامی دانشجویان با عنوان «جنبش دانشجویی و آرمان تشکیل جامعه نمونه» در سال ۸۷ بود. در این همایش سعی شد با نگاهی کلان و جهت دار به انقلاب اسلامی در تمام زمینه ها، ضمن بررسی زمینه ها و آینده پیش رو و موانع حرکت انقلاب، به آرمان و هدف انقلاب اسلامی که همان تشکیل جامعه نمونه اسلامی است تذکر دهد.

پانزدهمین همایش آموزشی سالیانه با عنوان «انقلاب اسلامی، نگاه به آینده و پرسش از درون» در سال ۸۸ در دانشکده علوم و حدیث شهرری برگزار شد. هدف از این همایش مورد پرسش قرار دادن انقلاب اسلامی بود. پرسش از این که بعد از گذشت سه دهه از انقلاب، اکنون وضعیت و جایگاه (تاریخی) آن کجاست و به چه بخشی از اهداف خود دست پیدا کرده است و مشکلات و دست اندازهای آن در چه بخش هایی بوده است.

هر چند با گذشت سه دهه از انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی انطباق کامل با



انقلاب اسلامی نداشته است، برخی مدیریت ها در تاریخ انقلاب زاویه هایی با مبانی انقلاب داشتند لکن ظرفیت این رستاخیز معنوی توانست و می تواند این موارد و علاوه بر آن فتنه های جاری و آتی را نیز در خود قرار بدهد و آن ها را در کوره خود ذوب کند. لذا سال ۸۹ همراه بود با شانزدهمین همایش آموزشی اتحادیه با عنوان «انقلابی برای انقلابی شدن» در دانشگاه بو علی سینای همدان.

اما طی سالهای ۹۰ و ۹۱ همایش سالانه ی آموزشی برگزار نکردید که موجب ضربه ی جدی به سطح آموزشی مجموعه و به حاشیه رفتن این مهم گشت. این روند به لطف خداوند متعال ادامه نیافت و در تابستان ۱۳۹۲، هفدهمین همایش سالانه ی آموزشی باز در همدان با عنوان «جنبش دانشجویی، آرمان انقلاب اسلامی و دولت پیش رو» هم زمان با شروع به کار دولت یازدهم برگزار شد که از دو محور و دو سری کارگاه تشکیل شده بود. محور نخست به نقش جنبش دانشجویی در تمدن اسلامی اشاره داشت و محور دوم با عنوان آرمان های انقلاب اسلامی در دولت های جمهوری اسلامی به ویژه در دولت پیش رو می پرداخت.

سال ۹۲ شاهد دو همایش آموزشی بود و هجدهمین همایش آموزشی اتحادیه در دانشگاه یزد و با عنوان «بیداری دانشجویی و استحکام ساخت درونی نظام» برگزار



گردید. بررسی روند نیروسازی اتحادیه و دفاتر و ضعف این مهم، اعضای شورای مرکزی را به این تصمیم رساند که می‌بایست جدی‌تر به مباحث آموزشی پرداخت. لذا تحت عنوان گذر از جنبش دانشجویی به بیداری دانشجویی، موضوعات درون تشکیلاتی در همایش هجدهم مطرح شد و در فضای گفتمان انقلاب اسلامی به جهت وجود اندیشه‌ای غیر اصیل که فکر می‌کند برای حل مشکلات درونی انقلاب اسلامی باید به بیرون از آن متوسل شد، موضوع استحکام ساخت درونی نظام مطرح و مطالبه شد.







